

Investigating and Critiquing the 'Ashoura Narrations in Tabarani 's *Al-Mu'jam Al-Kabir* (Great Encyclopedia) and its Effect on Twelver Shi'a

Mohsen Raf'at*

(Received on: 2018-02-27; Accepted on: 2019-01-09)

Abstract

Maqatal al-Husayn (The Murder of al-Husayn) in Tabarani 's *Al-Mu'jam Al-Kabir* (great encyclopedia) is of the remaining books of this kind and an ancient source which of course, like other historical and narrative sources, has not been secure of surge of distortions regarding 'Ashoura which cast doubt on the readers in terms of some material about that event. Although the Hadith style in his books is well-documented and continuous, investigating the narration texts, one can find out that the author, applying certain Akhbari expression, has made effort to show the approach to particularly affect the main purpose of Imam. Other Sunni scholars have adopted this attitude from someone like Tabarani. Thus, some of them like Ibn – e – 'Asakir and Dahabi have transmitted these narrations more attractively. Narrations which are mostly about extraordinary and supernatural occurrences following the Imam's martyrdom are considered to be the origin of Tabarani's attitude. In spite of some single reports in comparison with other books on history or Hadith, this *Maqatal* is in contrast with some certain events or historical narrations and has distorted the status of infallible Imams and their families due to the unreliability of document and text as well as unreasonable differences and oppositions and thus has culminated in untrustable foundation for research among following Shi'ite and Sunni scholars during upcoming centuries. It can be claimed that the Shi'a is the mostly affected school that has benefited from these narrations. In this study, applying library-based method and analytical – critical approach, it has been tried to present some explanation regarding his book and mention some of these distortions and delve into their historical and narrative foundation.

Keywords: *Al-Mu'jam Al-Kabir* (great encyclopedia), Tabarani, *Maqatal al-Husayn* (The Murder of al-Husayn), 'Ashoura narrations, distortions.

* Assistant professor, Department of Quranic science and Hadith, Hazrat Ma'soumeh University, Qom, Iran, mohsenrafaat@hmu.ac.ir.

بررسی و نقد روایات عاشورایی المعجم الکبیر طبرانی و تأثیر آن بر شیعه امامیه

محسن رفعت*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹]

چکیده

مقتل الحسین (ع) موجود در المعجم الکبیر طبرانی از جمله مقاتل برجای مانده و قدیمی است که البته همچون دیگر کتاب‌های تاریخی و روایی از هجمه تحریفات عاشورایی مصون نمانده، و خواننده را در برخی مطالب مربوط به عاشورا در تردید قرار می‌دهد. گرچه طرق حدیثی کتاب‌های وی مسند و متصل است، اما با بررسی متنی روایات می‌توان دریافت که مؤلف با بیان اخباری خاص، سعی در نشان دادن رویکردی دارد که هدف اصلی نهضت امام را تحت تأثیر دیدگاهی ویژه قرار دهد. دیگر عالمان اهل سنت نیز این دیدگاه را از شخصیتی مانند طبرانی گرفته‌اند. لذا برخی از ایشان مانند ابن عساکر و ذهبی این روایات را با لعاب بیشتری نقل کرده‌اند. روایاتی که بیشتر مربوط به حوادث خارق‌العاده و غیرطبیعی پس از شهادت امام است سرمنشأ ایجاد دیدگاه طبرانی است. این مقتل علی‌رغم اخبار منفرد نسبت به دیگر کتب تاریخی یا حدیثی، بعضاً با وقایع مسلم یا روایات تاریخی دیگر ناسازگار است و گاه ضمن ضعف جدی سند و متن و تناقضات و تعارضات عقلی جمع‌ناپذیر، شأن امام معصوم (ع) یا خاندان معصومان (ع) را مخدوش کرده و پایه‌های ناستواری برای تحقیق پیش روی عالمان فریقین در قرن‌های بعد از خود قرار داده است. می‌توان گفت شیعه تأثیرپذیرترین مکتبی است که از این روایات خوشه‌چینی کرده است. در این بررسی با روش کتاب‌خانه‌ای و رویکردی تحلیلی انتقادی کوشیده‌ایم پس از توضیحاتی چند درباره کتاب وی، به برخی از این هجمه‌های تحریفی اشاره کنیم و بنیان‌های تاریخی و روایی‌اش را بکاوییم.

کلیدواژه‌ها: المعجم الکبیر، طبرانی، مقتل الحسین (ع)، روایات عاشورایی، تحریفات.

بیان مسئله

نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) جایگاهی انکارناپذیر در رأس هرم هویتی اندیشه امامیه دارد. صرف نظر از صراحت روایات معصومان (ع) درباره این واقعه، عظمت این رویداد مهم با تحلیل زمینه‌ها، چرایی، چگونگی و پیامدهای وقوعش در خور بررسی و سرمشق‌گیری است. واقعه عاشورا به قدری برای افکار عمومی تکان‌دهنده بود که سیل اخبار رخدادهای آن به گفتار و نوشتار تبدیل شد؛ به گونه‌ای که پس از مدتی در لابه‌لای گزارش‌های آن، اخبار بی‌پایه نیز به کتب حدیثی و تاریخی راه یافت که پالایش و آرایش آنها کار آسانی نبود.

تردیدی نیست که انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی فراوانی برای تحریف عامدانه این واقعه از همان آغاز وجود داشته که در رأس همه آنها حاکمیت جعلی، استبدادی و نسبتاً طولانی‌مدت حزب اموی بر سرزمین‌های اسلامی بود. از دیگر اسباب، تضعیف و تحریف حقیقت این واقعه به دست عامدان و جاهلان است، به گونه‌ای که این نهضت عظیم در لابه‌لای این نگارش‌ها در هم تنیده و به استهلاک گرویده است (نک: صحتی سردرودی، ۱۳۸۵: ۲۳-۱۲۴). به همین دلیل و نیز با نظر به رویارویی دو جبهه تحریف‌ساز و تحریف‌ستیز در مواجهه با این رویداد و اقامه دلایل مختلف برای عملکرد خود (برای مطالعه بیشتر نک: همان: ۶۰-۱۱۵) تحلیل تاریخ‌شناختی و بررسی فقه‌الحدیثی روایات مرتبط با این رویداد ضرورت می‌یابد. لذا از وظایف محققان، معرفی چهره سره و خالص نهضت عاشورا و پیراستن آن از طعن‌ها و تحریفات است؛ چراکه این واقعه مهم همچون هر حادثه تاریخی از این آسیب‌ها مصون نمانده است.

از مجموعه چهل مقتل پیش روی ما (نک: رحمان ستایش، ۱۳۸۹: ۸۱) روایات برخی از حیث سند اشکال دارد، برخی نیز از لحاظ متن و محتوا با اهداف قیام عاشورا و انگیزه امام حسین (ع) در تنافی است. /المعجم/ الکبیر اثر طبرانی از مهم‌ترین کتاب‌های روایی کهن است که آن را در قرن چهارم نگاشته است. برخی احادیث منسوب و روایات منقول از جانب امام حسین (ع) و دیگر معصومان (ع) در حوزه عاشورا و کربلا در این

کتاب‌ها نفوذ یافته، به گونه‌ای که نهضت امام حسین (ع) از مرتبت اصلی‌اش، چنان‌که دیگر روایات واردشده از ائمه (ع) نشان می‌دهد، تنزل یافته است. لذا در پی بررسی آنها به بحث و نقد درباره آن پرداخته‌ایم. مراد ما از «روایات» در این جایگاه آنهایی است که فعل معصوم را گزارش می‌کند، چراکه روایات تاریخی که در حقیقت حاکی از فعل معصوم است کمتر محل توجه حدیث‌پژوهان بوده تا با اصول نقد حدیثی بررسی آکادمیک شود. این‌گونه روایات نیز باید با ملاک‌های سندی و متنی و اصول ارزیابی حدیث نقد روایی شود. در این میان واقعه عاشورا اهمیت خاصی در تاریخ تشیع دارد. به همین دلیل در معرض دستبرد حدیث‌سازان بوده است. لذا ارزیابی روایات این واقعه نیز اهمیت ویژه می‌یابد. پژوهش حاضر این موضوع را از منظر مقاتل امامیه و نیز اهل سنت با محوریت پرسش‌های ذیل و با روش تحلیلی انتقادی بررسی کرده است: با ایجاد مقایسه میان روایات طبرانی و دیگر مورخان و محدثان چه روایات برجای‌مانده‌ای از او توانسته در شیعه تأثیرگذار باشد؟ آیا اسناد روایات محل بحث، قابلیت انتساب به گزارشگرانش را دارد؟ با توجه به شخصیت برجسته حدیثی مؤلف و قدمت و نیز اتصال اسناد کتاب، آیا اخبار وی در صورت صحّت اسناد می‌تواند ملجأیی برای تمسک و استناد به آنها قرار گیرد؟

پیش از این، درباره تحریفات روایات عاشورایی به صورت مجزا و در قالب کتاب و مقاله تحقیقاتی انجام شده، که از آن جمله می‌توان به مقالات صحتی سردرودی و کتاب معرفی و نقد منابع عاشورا اشاره کرد. در پژوهش‌های نشریافته کتاب یا مقاله‌ای با محوریت پاسخ به مسائل مد نظر این پژوهش یافت نشد. اما مقاتل نیازمند واکاوی تک‌تک روایات به صورت جزئی است که این پژوهش به مقتل طبرانی اختصاص یافته است.

۱. طبرانی و مقتل الحسین (ع)

کتاب طبرانی بسیاری از روایات مربوط به امام حسین (ع) را در بر دارد. وی ۱۴۸ روایت را در تاریخ واقعه کربلا گرد آورده که البته تحت عنوان مقتل الحسین (ع) با

تحقیق محمد شجاع ضیف‌الله از طبرانی به چاپ رسیده است. پیش از وی، سید عبدالعزیز طباطبایی این بخش را در کتاب *الحسین والسنة* منتشر کرده بود (نک: طباطبایی، بی‌تا: ۵۳۹ و ۵۴۰). طبعاً *مقتل الحسین (ع)* مطبوع، کتاب مقتل به معنای معمول آن نیست، اما روایاتش می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به عاشورا را روشن کند. بسیاری از نقل‌ها، به تحولات غیرطبیعی که در پی شهادت امام حسین (ع) رخ داده، اختصاص یافته است. طرق این روایات، طرق اهل سنت است و طبرانی هم به عنوان محدث برجسته سنی، شخصیتی شناخته شده است. اما دقت در کیفیت متن و محتوای آنها ضرورت توجه به روایات طبرانی را دوچندان خواهد کرد. یکی از ویژگی‌های مهم مقتل طبرانی روایاتی است که وی درباره خبر شهادت امام حسین (ع) از جانب پیامبر (ص) به ترتیب نقل کرده است. وی هشت روایت از زبان ام سلمه، شش روایت از دیگر روایت‌مانند عایشه، ابن عباس و ... و سه روایت از امام علی (ع) و اخباردهی ایشان از شهادت امام به ترتیب آورده است (طبرانی، ۱۴۱۲: ۴۱-۵۱). همه این روایات گوشه‌ای از اخبار از غیب راجع به شهادت امام از پیامبر (ص) و امام علی (ع) را به تصویر می‌کشد که در نوع خود در خور توجه است. ویژگی دیگر این روایات عقلانی بودن آنها نسبت به روایاتی است که خصیبه از زبان ام سلمه گزارش کرده است. اما این روایات همه مسند و متصل از طریق ثقات^۱ نقل شده است.

۲. مطالب غیرواقعی و تحریفی المعجم الکبیر

در این بخش روایات عاشورایی طبرانی را نقد می‌کنیم:

۱. دو فرزند به نام عبدالله برای امام حسین (ع)

طبرانی در روایتی شهدای کربلا را نام برده و از دو فرزند به نام عبدالله بن حسین (ع) نیز یاد کرده است؛ یکی به نام «عبدالله بن الحسین و أمه الرباب بنت امرء القیس کلبیة» و دیگری با نام «عبدالله رضیع الحسین» (همو، بی‌تا: ۱۰۳/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۳۸). به نظر می‌رسد

وی در چنین نامی دچار اشتباه شده، چراکه در تمامی منابع تاریخی و روایی دو فرزند به نام عبدالله برای امام وجود ندارد، به علاوه رضیع الحسین (ع) همان عبدالله است که نام مادرش رباب بنت امرء القیس بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۹/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ اصفهانی، بی تا: ۹۴؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۳۵/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷۵/۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۶؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۳۹/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۷۷/۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴).

۳. هفده شهید هاشمی از نسل حضرت فاطمه (س)

از دیرباز درباره تعداد کسانی که از نسل حضرت زهرا (س) در کربلا حضور داشتند و به شهادت رسیدند، میان مورخان و محدثان اختلاف بوده است. به نظر می‌رسد این اختلاف ناشی از اختلاف منابع درباره تعداد شهدای بنی هاشم در کربلا است. در ذیل به ترتیب به تعدادی که منابع متذکر شده‌اند، اشاره می‌کنیم:

۱. ثه تن (ابن حبان، بی تا ب: ۵۵۸/۲).

۲. یازده تن (ذهبی، ۱۴۱۰: ۲۱/۵)؛ اما در موضعی دیگر از شانزده نفر سخن گفته است (همان: ۱۴/۵).

۳. چهارده تن (مسعودی، ۱۴۲۶: ۶۱/۳-۶۲)؛ مسعودی این تعداد را نام برده و از عددی خاص سخن نگفته است. برخی شمارش مسعودی را سیزده (ذهبی، ۱۴۱۰: ۱۲۶) و دوازده تن (شاوی، ۱۳۸۶: ۴، پاورقی ۱۸۷) گفته‌اند که دلیل اشتباه ایشان نامعلوم است (خوارزمی، بی تا: ۵۲/۲-۵۳). بنا بر روایتی از لیث بن سعد، خوارزمی در دو روایت از حسن بصری شانزده و هفده تن را شهدای بنی هاشم معرفی کرده است (همان: ۵۲/۲-۵۳).

۴. شانزده تن (ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۴۶؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۲۶/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۷۱/۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۵/۵؛ یافعی، بی تا: ۱۰۷/۱-۱۰۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۴/۱۴؛ همو، ۱۴۱۴: ۳۵۰؛ علوی، ۱۴۰۹: ۱۵؛ طبری، ۱۳۵۶: ۱۴۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ۴۳۱/۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۱۲/۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۰۵/۲؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۱۹۸/۹؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۳۹۶/۱).

۵. هفده تن (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۲۵/۲)؛ البته شیخ مفید امام حسین (ع) را هجدهمین نفر از ایشان می‌داند، در موضعی دیگر از هجده نفر نیز نام برده است (نک: همان: ۱۸/۲).

بررسی و نقد روایات عاشورایی المعجم الكبير طبرانی و تأثیر آن بر شیعه امامیه / ۱۶۹

ذهبی، ۱۴۱۰: ۵/۵؛ یافعی، بی تا: ۱۰۸/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ روایت حسن بصری).

۶. هجده تن (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسۀ ۴۷۷/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵-۴۶۹)؛ این تعداد بر اساس شمارش کشته‌هایی است که طبری آورده، البته بدون احتساب مسلم بن عقیل و عبدالله بن یقطر (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ب: ۱۱۸/۲).

۷. نوزده تن (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹-۲۳۰؛ باعونی، ۱۴۱۵: ۲۷۰-۲۷۸؛ زرندی حنفی، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

۸. بیست و یک تن (اصفهانی، بی تا: ۹۸).

۸. بیست و سه تن (ذهبی، ۱۴۱۰: ۵/۵؛ یافعی، بی تا: ۱۰۷/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳۹۶/۱).

۹. بیست و هفت تن (خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱۲/۴).

این شمارش‌ها بر اساس فرزندان حضرت علی (ع) و عقیل بن ابی طالب صورت گرفته، اما طبرانی می‌نویسد: «وقتی نزد محمد بن حنفیه سخن از کشته‌شدن حسین بن علی (ع) به پیش می‌آمد، می‌فرمود هفده تن از کسانی که از نسل فاطمه (س) بودند همراه با حسین (ع) کشته شدند» (طبرانی، بی تا: ۱۱۹/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۳۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳۹۶/۱) این در حالی است که در روایتی دیگر شمارش ایشان را شانزده نفر معرفی می‌کند (طبرانی، بی تا: ۱۱۸/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۶۵). صدوق در روایتی شبیه به وی از حضرت علی (ع) می‌نویسد: «هَذِهِ أَرْضُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ يَدْفَنُ فِيهَا الْحُسَيْنُ وَ سَبْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي وَ وَلَدِ فَاطِمَةَ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۵۹۸؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۳/۴۴؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۱۷۶/۱). اما زمانی این سخن صحیح است که بگوییم مقصود از فاطمه، فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی (ع)، جعفر و عقیل است، وگرنه تعداد کشته‌های نسل حضرت فاطمه (س) به جز امام حسین (ع) پنج تن است. این سخن با روایتی که ابن‌نما به امام باقر (ع) نسبت داده مطابقت داده می‌شود، وی می‌نویسد: «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (ع): قَتَلُوا سَبْعَةَ عَشَرَ إِنْسَانًا، كُلُّهُمْ ارْتَكُضَ فِي بَطْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ أُمِّ عَلِيٍّ (ع)» (ابن‌نما، ۱۴۰۶: ۱۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۴۵؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۳۴/۱).

الفاظ این روایت تقریباً شبیه روایت طبرانی است، با این تفاوت که طبرانی روایت را به محمد بن حنفیه نسبت داده که البته محمد بن حنفیه در نام، و نام پدر شبیه امام باقر (ع) [محمد بن علی (ع)] است و بعید نیست روایت یا ابن‌نما به سبب این تشابه، روایت را به امام باقر (ع) نسبت داده باشند؛ البته نمی‌توان عکس این رویداد را تصور کرد، چون فاصله ابن‌نما با طبرانی ۲۸۵ سال است. از این رو ابن‌نما باید از طبرانی نقل کرده باشد و نه طبرانی از او. همچنین، می‌توان گفت نسخه موجود در دست ابن‌نما از کتاب معجم طبرانی یا هر کتابی که وی از آن نقل کرده محمد بن حنفیه با نام محمد بن علی (ع) ثبت شده است. لذا این تشابه سبب شده است ابن‌نما یا کسی که وی از او نقل می‌کند، روایت را به امام باقر (ع) نسبت دهد. از سوی دیگر، چون شهادی هاشمی کربلا از نسل حضرت زهرا (س) بیش از پنج تن نبوده‌اند «بنت اسد» را به «فاطمه» اضافه کرده‌اند. طبرانی در روایتی دیگر با سندی دیگر از شانزده شهید سخن گفته است (طبرانی، بی‌تا: ۱۱۸/۳) اما برای تبیین بیشتر باید اسامی این شهدا را در تمامی منابع جست‌وجو کرد تا درباره شهادت همراهان امام حسین (ع) به اجماع مورخان و محدثان رسید:

الف. فرزندان حضرت علی (ع)

• فرزندان حضرت علی (ع) از ام‌البین

۱. عباس بن علی بن ابی‌طالب (کوفی)، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۲/۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۵/۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۴/۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۲/۳؛ همو، بی‌تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی‌تا: ۹۰؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۹/۲، ۱۲۵؛ همو، ۱۴۱۳ الف: ۸۲؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۲؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ حلّی، ۱۴۱۱: ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۴۵).

۲. عبدالله بن علی بن ابی‌طالب (کوفی)، ۱۴۰۵: ۱۲/۲ و ۱۵۰؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۵/۱؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۰۱/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۹/۵؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۳/۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳؛ همو، بی‌تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی‌تا: ۸۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۹/۲، ۱۲۵؛ همو، ۱۴۱۳ الف: ۸۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۴۵).

بررسی و نقد روایات عاشورایی المعجم الکبیر طبرانی و تأثیر آن بر شیعه امامیه / ۱۷۱

۳. جعفر بن علی بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۲/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۷۵؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۳/۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳؛ همو، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی تا: ۸۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹-۳۸/۴۵؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۲۶/۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۸۲/۱۷).

۴. عثمان بن علی بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۲/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۷۵؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۹/۵؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۹/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۶/۴، ۹۲؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹-۳۸/۴۵؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۲۶/۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۸۲/۱۷).

• فرزندان حضرت علی (ع) از لیلی بنت مسعود ثقفی

۵. ابوبکر بن علی بن ابی طالب (دینوری، ۱۴۱۰: ۱۲/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۷۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۵/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۱۳: ۹۲/۴؛ اصفهانی، بی تا: ۹۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۷/۴؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۶/۲).

۶. عبدالله/عبیدالله بن علی بن ابی طالب (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ اصفهانی، بی تا: ۹۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۵/۲، ۳۵۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ۷۶؛ همو، ۱۳۹۰: ۲۰۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۶۵۶/۱؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۳۰؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۴۴۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۴۵).

• فرزندان حضرت علی (ع) از امّ ولد

۷. محمد بن علی بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۷۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی تا: ۹۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۵۴/۱؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱۲/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳۹۷/۳؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹).

۸. ابراهیم بن علی بن ابی طالب (اندلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۴/۵؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۴۵؛ نمازی، ۱۴۱۲: ۱۷۷/۱).

۹. عون بن علی بن ابی طالب (ع) (ذهبی، ۱۴۱۰: ۲۱/۵).

• فرزندان حضرت علی (ع) از دیگر همسران

۱۰. عمر بن علی بن ابی طالب (خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۷/۴؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۶/۲).

۱۱. عتیق بن علی بن ابی طالب (ذهبی، ۱۴۱۰: ۲۱/۵؛ حنبلی دمشقی، ۱۴۰۶: ۲۷۳/۱؛ یافعی، بی تا: ۱۰۶/۱).

از میان فرزندان حضرت علی (ع) کسانی که اجماع بر حضورشان بوده، شش نفرند و حضور بقیه محل تردید مورخان و محدثان شیعی و سنی است. این شش نفر عبارت‌اند از: ۱. عباس بن علی بن ابی طالب؛ ۲. عبدالله بن علی بن ابی طالب؛ ۳. جعفر بن علی بن ابی طالب؛ ۴. عثمان بن علی بن ابی طالب؛ ۵. عبدالله بن علی بن ابی طالب؛ ۶. محمد بن علی بن ابی طالب.

ب. فرزندان امام حسن (ع)

۷. قاسم بن الحسن (ع) (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۶/۱؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۰۱/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۵، ۴۶۸؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی تا: ۹۲؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۷۹/۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ب: ۱۹۸/۲، ۱۲۵؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۵/۴، ۹۲؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۵/۸-۱۸۶؛ شامی، ۱۴۲۰: ۵۵۶؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴/۴۵).

۸. ابوبکر بن الحسن (ع) (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۰۱/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۲/۳؛ اصفهانی، بی تا: ۹۲؛ طبرانی، بی تا: ۱۰۳/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۳۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ب: ۱۰۹/۲، ۱۲۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۸؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۸؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۳۰؛ شامی، ۱۴۲۰: ۵۵۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۷۹/۱۷، ۳۳۶).

۹. عبدالله بن الحسن (ع) (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۶/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۱/۵، ۴۶۸؛ ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۵۴؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۲/۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳؛ همو، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی تا: ۹۳، ۱۱۶؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۸۰/۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ب: ۱۲۵/۲؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۶/۴، ۹۲؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۶/۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۷/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۶/۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۲۲؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۷۳).

ج. فرزندان امام حسین (ع)

۱۰. علی بن الحسین الأكبر (ع) (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۶؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۰۰/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۶/۵-۴۴۷، ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۴/۵؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۵۴/۳؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۶/۲؛ ابن خشاب بغدادی، بی تا: ۲۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۵؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۷۴/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۴/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۵/۸؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۸؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۱۰/۲؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۶۳۹/۱۷).

۱۱. عبدالله بن الحسین الرضیع (ع) (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۰/۱-۴۷۱؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۰۱/۳، ۲۲۳؛ طبری، ۱۳۷۸: ۴۴۸/۵، ۴۶۸؛ بخاری، ۱۴۱۳: ۳۰؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۵/۵؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی تا: ۹۴، ۹۵؛ طبرانی، بی تا: ۱۰۳/۳؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۸/۲، ۱۳۵؛ هاشمی بغدادی، بی تا: ۴۹۱؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۷۷/۳، ۱۷۸؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۱-۳۰۰/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱۳/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۳۹/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۵/۴، ۹۲؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۷۴/۳؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۷۰؛ نویری، ۱۴۲۳: ۴۶۱/۲۰؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۲۱/۵؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۶/۸).

د. فرزندان عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (ع)

۱۲. عون بن عبدالله بن جعفر (ع) (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۷/۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۰۰/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۷/۵، ۴۶۹؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۲/۳؛ همو، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی تا: ۹۵-۹۶؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، بی تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۶/۴ و ۱۱۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۷۴/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۵۷؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰/۴۵، ۳۴، ۴۴).

۱۳. محمد بن عبدالله بن جعفر (ع) (همان).

ه. فرزندان عقیل بن ابی طالب (ع)

۱۴. جعفر بن عقیل بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۷/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۲۵/۲؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، ۱۳۸۱: ۹۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰:

۲۵۵؛ خوارزمی، بی‌تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۵/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۹/۲؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۲/۲؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۲۵/۱.

۱۵. عبدالله بن عقیل بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۷/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۵/۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۲/۳؛ همو، بی‌تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی‌تا: ۹۷؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۹۵/۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۵؛ خوارزمی، بی‌تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۵/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۲۹؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۹/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/۴۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۷۷/۱۷). برخی از شخصی به نام عیدالله، فرزند عقیل، سخن گفته‌اند که به احتمال قوی وی همان عبدالله بن عقیل است (دینوری، ۱۹۲۲: ۲۰۴).

۱۶. عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۷/۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۵/۲؛ مسعودی، بی‌تا: ۲۶۳؛ اصفهانی، بی‌تا: ۹۶؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۹۵/۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۵؛ خوارزمی، بی‌تا: ۵۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۵/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۲/۴؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۷؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۹/۲؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۰۲/۲؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۲۵/۱).

۱۷. محمد بن ابی سعید بن عقیل (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۷۷/۱؛ ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۴۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۹/۵؛ مسعودی، بی‌تا: ۲۶۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۶/۲؛ همو، ۱۴۱۳: الف: ۸۳؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ۱۸۷؛ همو، ۱۳۹۰: ۲۵۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۳/۴؛ محلی، ۱۴۲۳: ۲۱۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۸؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۲۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/۴۵).

۱۸. عبدالله بن مسلم بن عقیل (کوفی، ۱۴۰۵: ۱۵۱؛ ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۴۵؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۷؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۰۰/۳، ۲۲۴؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۷/۵، ۴۶۹؛ اصفهانی، بی‌تا: ۹۸؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۹۵/۳؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۲).

از اتفاق مورخان و محدثان شیعی و سنی درمی‌یابیم که جز امام حسین (ع) و این هجده نفر شخص دیگری از نسل ابوطالب (ع) و فاطمه بنت اسد (س) در واقعه کربلا به شهادت نرسیده است. افراد دیگری که برخی مورخان به حضور و شهادت آنها صحه گذاشته‌اند، تأیید نمی‌شود، چراکه یا با گزارش منابع تاریخی تعارض دارد یا ایشان در

چنین گزارشی متفردند یا می‌توان حضور چنین اشخاصی را یقینی، اما شهادت ایشان را محل تأمل دانست. اما درباره شهادت هجده نفری که گذشت، همه منابع تاریخی و حدیثی،^۲ تقریباً می‌توان گفت، به تواتر سخن گفته‌اند. این شمارش بر اساس تعداد افرادی است که در روز عاشورا به شهادت رسیده‌اند و کسانی مانند مسلم بن عقیل یا عبدالله بن یقطر در این شمارش داخل نشده‌اند.

۴. خط و نشان حجاج بن یوسف برای قاتل امام حسین (ع)

طبرانی به نقل از اسلم منقری می‌نویسد:

[روزی] بر حجاج وارد شدم. به دنبال من سنان بن انس - پیری گندم‌گون و خمیده با دماغی بلند و خالی در صورت - نیز آمد و نزد حجاج ایستاد. حجاج نگاهی به او کرد و گفت: «تو بودی که حسین را کشتی؟». گفت: «آری!». گفت: «با او چه کردی؟». گفت: «او را با نیزه زدم و با شمشیر پاره‌پاره‌اش کردم». گفت: «بدان که شما هرگز در یک سرای با هم جمع نخواهید شد!» (طبرانی، بی‌تا: ۱۱۱/۳-۱۱۲؛ همو، ۱۴۱۲: ۵۲).

اولاً: چه‌بسا از شخصیتی مانند حجاج که خود در خونریزی خاندان اهل بیت همچون سنان بوده، برای پالودن دامان خویش از رفتارهای ننگینش، چنین سخنی بر زبان آورده است. وگرنه اگر سخن او اصل قرار گیرد، خود او نیز با خاندان اهل بیت در یک سرای جمع نخواهند شد. این روایت به اشکال گوناگون دیگری در منابع نقل شده، ابن‌اثیر، ذهبی و ابن‌کثیر بدون سند کامل از ذکر نام سنان خودداری ورزیده‌اند اما بلاذری با عبارت «یقال»، یعنی بدون سند، به نام او تصریح کرده (بلاذری، ۱۳۷۹: ۲۱۸/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۵۸۵/۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲: ۱۲۴/۹؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۳۱۹/۶) و هیشمی نیز در مجمع‌الزوائد روایت را به نقل از طبرانی آورده است (هیشمی، ۱۴۰۸: ۱۴۴/۹-۱۹۵).

ثانیاً: بررسی زندگانی سنان بن انس در زمان حجاج ضروری است. برخی روایات حاکی از آن است که مختار برای دستگیری سنان بن انس فرستاد. وی به بصره گریخته

و پناه برده بود. خانه‌اش را ویران کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۶/۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴/۴؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۳/۳۳۴). مختار به همراه او بسیاری دیگر از بزرگان کربلا را به قتل رساند (ابن‌کثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۹۰). ابن‌نما می‌نویسد: «سنان بن انس به بصره گریخت. [مختار] خانه‌اش را ویران کرد. سپس سنان از بصره به سمت قادسیه حرکت کرد. جاسوسانی بر او گمارده شده بودند که به مختار خبر دادند و مختار او را در میان عذیب و قادسیه دستگیر کرد و انگشتانش را بندبند برید و دست و پاهایش را قطع کرد و دیگی از روغن، داغ کرد و او را در آن انداخت» (ابن‌نما، ۱۴۱۶: ۱۲۰؛ همو، ۱۴۰۶: ۷۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۳۷۵). به نظر می‌رسد ابن‌نما نخستین کسی است که چنین نقلی از او صادر شده، چون پیش از او کسی در این باره سخنی نگفته است.

برخی روایات نیز حاکی از زنده‌ماندن وی در زمان حجاج بن یوسف است. در روایتی آمده «حجاج در مجلس خود گفت هر که گرفتاری دارد برخیزد. عده‌ای برخاستند [و چیزهایی] گفتند. سنان بن انس نیز برخاست و گفت من قاتل حسینم. حجاج گفت چه گرفتاری خوبی! او به منزلش بازگشت و زبانش بند آمد و دیوانه شد. می‌خورد و جای خود را کثیف می‌کرد» (ابن‌سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۵۰۴/۱؛ بلاذری، ۱۳۷۹: ۴۱۰/۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱۱/۵۲۱). بلاذری در روایتی شبیه به روایت طبرانی می‌گوید: «پس از اینکه حجاج به وی گفت شما در یک جای جمع نخواهید شد، گفت پانصد درهم به او بدهید. اما همین که بیرون رفت گفت ندهید» (بلاذری، ۱۳۷۹: ۳/۲۱۹).

به نظر می‌رسد عبارت طبری که مختار خانه‌اش را خراب کرد ناشی از آن بوده باشد که وی چون سنان از دسترس مختار خارج شد، دستور به تخریب خانه‌اش داد. عبارت طبری از تخریب خانه بر سر سنان دلالت ندارد. روایت ابن‌نما نیز بدون سند است و به هیچ معصومی نسبت داده نشده تا برای پذیرش آن حداقل به قولی ضعیف استناد شود. بنابراین، تعارض در زنده‌بودن یا نبودن سنان در زمان حجاج بسیار است و نمی‌توان به قولی محکم تکیه جست. البته می‌توان گفت هیچ توجیهی برای حضور سنان در مجلس حجاج وجود ندارد، چراکه اگر مختار نیز از کشتن سنان عاجز شد،

دیگر مردمان شیعی عراق به دنبال کشتن قاتلان امام حسین (ع) بودند و نمی‌توان زنده‌بودن سنان را تا زمان حجاج تصور کرد. ضمن اینکه بعید نیست گفتار حجاج درباره سنان را ساخته‌پرداخته‌کسانی بدانیم که سعی در توجیه رفتار حجاج با مردم داشته‌اند، اما چهره حجاج در تاریخ آن‌قدر سیاه است که توجیهی بدین سبک را بر نمی‌تابد.

۵. رخدادهای غیرطبیعی پس از شهادت امام حسین (ع)

طبرانی روایاتی (۱۱ روایت) درباره وقایع غیرطبیعی پس از شهادت امام نقل کرده (طبرانی، بی‌تا: ۱۱۳/۳-۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴؛ همو، ۱۴۱۲: ۵۵-۵۷، ۶۶، ۷۳، ۷۴) که اسناد تمامی‌شان ضعیف است، ضمن اینکه متن آنها اضطراب دارد. در ذیل آنها را بررسی می‌کنیم:

الف. حوادث غیرطبیعی آسمانی

حدیث نخست: شباهت آسمان به گوشت جویده‌شده

حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمی ثنا منجاب بن الحارث ثنا علی بن مسهر حدثنی جدتی أم حکیم قالت: قتل الحسین بن علی و أنا یومئذ جویریة فمکثت السماء آیاما مثل العلقة.

۱. بزرگان اهل سنت محمد بن عبدالله حضرمی (متوفای ۲۹۷ ه.ق.) (ابن‌ندیم، بی‌تا، ۲۸۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۰۷/۳؛ همو، ۱۴۱۳: ۴۱/۱۴) و علی بن مسهر (متوفای ۱۸۹/۱۸۷ ه.ق.) (مزّی، ۱۴۰۶: ۱۳۵/۲۱-۱۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۴۷/۲؛ ذهبی، بی‌تا: ۲۹۰/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۳۵/۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۰۳/۱) را توثیق کرده‌اند. بسیاری از کتاب‌های بزرگان اهل سنت نامی از منجاب بن الحارث (متوفای ۲۳۱ ه.ق.) نبرده‌اند. برخی هم او را توثیق کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۲۹۴/۲؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۲۰۶/۹؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۳۶۶/۱۷). در کتاب‌های رجالی نام «ام‌حکیم» که جدّه علی بن مسهر باشد، وجود ندارد. به‌علاوه اگر هم شخصیتی به این نام باشد، طبقه علی بن مسهر با جدّه‌اش ام‌حکیم تطابق نخواهد داشت، چراکه بنا بر تاریخ وفات علی

بن مسهر، حداکثر تاریخ وفات ام‌حکیم می‌بایست پیش از واقعه کربلا باشد. این سخن وقتی قوت می‌گیرد که ببینیم در کتاب‌های رجال اهل سنت نامی از ام‌حکیم در میان طبقه علی بن مسهر دیده نمی‌شود و در میان استادان روایی علی بن مسهر نامی از ام‌حکیم موجود نیست (نک: مزّی، ۱۴۰۶: ۱۲۶/۲۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۴۸۵/۸). هیشمی می‌نویسد: «رجال این حدیث تا ام‌حکیم همه صحیح‌اند [جز ام‌حکیم]» (هیشمی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹).

۲. این روایت در دیگر کتاب‌های حدیثی اهل سنت به اشکال مختلفی نقل شده است (بی‌هقی، ۱۴۰۵: ۴۷۲/۶؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۱۹۶/۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۴۳/۱۲ و ۱۵۱/۱۴) که همه آنها را علی بن مسهر از جده خود روایت کرده، اما چون هویت ام‌حکیم نامعلوم بوده نمی‌توان از او این روایت را پذیرفت. این روایت در منابع شیعی نقل شده است. ابن قولویه به سند خود آن را به علی بن مسهر از جده‌اش ام‌حکیم متصل کرده که دیگر محدثان شیعی، به تبع او، در کتاب‌های خود آن را آورده‌اند (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۹؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۴۴/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰/۴۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۴۶۸/۱۷). بنابراین، در کتاب‌های شیعی نیز راوی این روایت، متفرد، و حدیث، غریب تلقی می‌شود. به همین شکل است که بسیاری از روایات اهل سنت وارد منابع مهم شیعی شده است.

۳. راوی روایت مدت‌زمان دقیقی را که آسمان بدین شکل بوده است مشخص نکرده، البته در *کامل الزیارات* مدت‌زمان آن یک سال و نه ماه ثبت شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۹). ضمن اینکه منظور از «علقه‌بودن آسمان» نامفهوم است. همچنین، محل وقوع این حادثه نامشخص است. اگر در خود کربلا رخ داده، شاید مقبول باشد که نیست، اما در دیگر شهرها دلیلی بر وقوع آن نخواهد بود. علاوه بر این، مراد راوی از نقل این روایت مبهم است. ضمن اینکه این روایت با روایاتی که آسمان را خونین معرفی کرده‌اند در تعارض است.

حدیث دوم: خونین شدن و سرخ شدن رنگ آسمان

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی ثنا عبدالله بن یحیی بن الربیع بن أبی راشد الکاهلی حدثنا منصور بن أبی نويرة عن أبی بکر بن عیاش عن جمیل بن زید، قال: لما قتل

الحسین احمرّت السماء، قلت: أى شيء تقول، فقال: إن الكذاب منافق، إن السماء احمرّت حين قتل.

۱. محمد بن عبدالله حصرمی (متوفای ۲۹۷ ه.ق.) که درباره او گذشت و ابی بکر بن عیاش (متوفای ۱۹۳ ه.ق.) (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۴۱۲/۲؛ همو، بی تا: ۲۶۵/۱؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۴۹۵/۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۶۶/۲) نزد علمای اهل سنت ثقه‌اند. نامی از عبدالله بن یحیی بن الربیع بن ابی راشد الکاهلی موجود نیست. درباره منصور بن [یعقوب بن] ابی‌نویره تذکر این نکته ضروری است که فقط ابن حبان وی را توثیق کرده و در دیگر کتاب‌ها توثیقی از او یافت نمی‌شود (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۷۲/۹). جمیل بن زید الطائی را نیز رجالیان، ضعیف‌الحديث و مدّلس شمرده‌اند، ضمن اینکه به هیچ وجه ثقه نیست (عقیلی، ۱۴۱۸: ۹۱/۱؛ رازی، ۱۳۷۱: ۵۱۷/۲؛ ابن حبان، بی تا ب: ۲۱۷/۱؛ ابن عدی، ۱۴۰۹: ۱۷۱/۲؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۴۲۳/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۹۸/۲). هیشمی درباره سند طبرانی می‌نویسد: «در سند وی شخصی هست که من نمی‌شناسم» (هیشمی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹).

۲. برخی این روایت و شبیه آن را دلیلی بر کرامت امام دانسته‌اند (قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۹/۳؛ لجنه‌الحديث، ۱۳۸۰: ۴۳۶/۵؛ حسینی مرعشی، بی تا: ۴۷۱/۱۱).

۳. احتمالاً راوی تیره‌شدن هوا به هنگام شهادت امام را دلالت بر سرخی آسمان دانسته که صراحت روایت این نکته را نمی‌رساند. روایت مشخص نکرده است که سرخی آسمان مربوط به چه مکانی است؛ در کربلا یا تمام عالم؟! ضمن اینکه اگر در کربلا به وقوع پیوسته باشد دلیلی بر حضور راوی روایت، جمیل بن زید، در کربلا در کتاب‌های تاریخی‌روایی وجود ندارد.

حدیث سوم: کسوف خورشید و گمان رخداد قیامت

حدثنا قيس بن أبي قيس البخاري ثنا قتيبة بن سعيد ثنا ابن لهيعة عن أبي معي، قال: لما قتل الحسين بن علي رضي الله عنه انكسفت الشمس كسفة حتى بدت الكواكب نصف النهار حتى ظننا أنها هي.

۱. در کتاب‌های رجالی نام قیس بن ابی قیس البخاری یافت نمی‌شود اما ابن‌عساکر این نام را با عنوان قیس بن مسلم البخاری آورده که البته این نام نیز به عنوان استاد طبرانی وجود ندارد. در این روایت فقط قتیبة بن سعید (متوفای ۲۴۰ ه.ق.) (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۱۳۴/۲؛ همو، بی‌تا: ۴۴۶/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۲۱/۸؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۷/۲) توثیق شده است. علمای اهل سنت عبدالله بن لهیعة (متوفای ۱۷۴ ه.ق.) را صدوق و ثقة خوانده‌اند با این تفاوت که دچار تخلیط شده، ضمن اینکه برخی وی را تضعیف کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۱۸: ۲۹۳/۲؛ رازی، ۱۳۷۱: ۱۴۵/۵؛ ابن‌عدی، ۱۴۰۹: ۱۴۴/۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۵۹۰/۱؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۱۱/۸؛ همو، ۱۴۰۴: ۳۲۷/۵-۳۳۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۵۲۶/۱). ابن حجر از قول ازدی درباره لهیعة بن عقبه (متوفای ۱۰۰ ه.ق.) می‌گوید حدیث وی استوار نیست، ضمن اینکه مجهول‌الحال نیز معرفی شده است (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۴۱۱/۸؛ همو، ۱۴۱۵: ۴۷/۲). در برخی منابع ابن لهیعة روایت را از ابی‌قبیل نقل کرده است (خوارزمی، بی‌تا: ۱۰۲/۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۷/۳؛ زرنندی، ۱۳۷۷: ۲۲۰؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵۴/۴؛ بیهقی، بی‌تا: ۳۳۷/۳؛ عسقلانی، بی‌تا الف: ۸۴/۵ و ...).

۲. این روایت در دیگر منابع شیعی به نقل از تاریخ النسوی و سنن بیهقی نیز آمده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵۴/۴؛ شامی، ۱۴۲۰: ۵۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶/۴۵؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۶۹/۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۴۶۷/۱۷). برخی مانند شهید اول به شهرت این جریان تصریح کرده‌اند (بیهقی، بی‌تا: ۳۳۷/۳؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۸/۱۴؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۲۲۵/۴؛ رافعی، بی‌تا: ۸۳/۵؛ عسقلانی، بی‌تا الف: ۸۴/۵؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۲۶۵/۱). دیگران این شهرت را از کتاب شهید اول برگرفته‌اند (بحرانی، بی‌تا: ۳۵۳/۱۰؛ نجفی جواهری، ۱۳۶۵: ۴۶۹/۱). همه این منابع، جز هیثمی و ابن‌عساکر، روایت را از سنن بیهقی نقل کرده‌اند. اما تنها راوی روایت، پدر ابن لهیعة یا ابوقبیل که متفرد در این نقل است، صرفاً به سبب مضمونی که در صدد تحریک احساسات و عواطف است، به شهرت رسیده؛ راوی به این تحریکات پاسخ مثبت داده و تحت تأثیر این احساسات قرار گرفته و با جعل روایت این‌گونه پاسخ داده است. این نکته شامل تمامی این روایات می‌شود.

۳. دیگر اشکالاتی که در روایات قبل گذشت، این روایت را در بر می‌گیرد. از لفظ «کسفة» مشخص می‌شود که کسوف خورشید مدت زمان اندکی را فرا گرفته است.

حدیث چهارم: پدیدارشدن خورشید بر روی دیوارها به گاه نماز عصر و برخورد ستاره‌ها با همدیگر

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمي ثنا عثمان بن أبي شيبة حدثني أبي عن جدي عن عيسى بن الحارث الكندي قال: لما قتل الحسين رضي الله عنه مكثنا سبعة أيام إذا صلينا العصر نظرنا إلى الشمس على أطراف الحيطان كأنها الملاحف المعصفرة^۳ و نظرنا إلى الكواكب يضرب بعضها بعضاً (طبرانی، بی تا: ۱۱۴/۳).

۱. عثمان بن [محمد بن] ابی شیبۀ (متوفای ۲۳۹ ه.ق.) (مزی، ۱۴۰۶: ۴۷۸/۱۹؛ ابن شاهین، ۱۴۰۴: ۱۰؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۵/۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۶۶۴/۱) و محمد بن ابراهیم (متوفای ۱۸۲ ه.ق.) پدر عثمان بن ابی شیبۀ (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۹) توثیق شده‌اند، اما جد عثمان بن ابی شیبۀ، ابراهیم بن عثمان (متوفای ۱۶۹ ه.ق.) متروک و منکر الحدیث خوانده شده است (ذهبی، ۱۴۱۵ الف: ۲۱۸/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۲۵/۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۶۱/۱). اما در خصوص عیسی بن حارث کندی، جز رازی، صاحب الجرح والتعديل، کس دیگری حال رجالی او را متذکر نشده است (رازی، ۱۳۷۱: ۲۷۴/۶).

۲. این روایت به اشکال گوناگون در منابع شیعی و سنی نقل شده است (هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۷/۱۴؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۱۵/۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ۴۳۳/۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۳۱۲/۳؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۲۲۸/۱؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۹۲/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۴۵۲/۳ و ۳۹/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۴۵، ۲۰۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۴۴۰/۱۷). در برخی منابع شیعی اختلاط چند روایت از این روایات را که الفاظش شبیه به این حدیث است خدشه‌دار کرده است. از باب نمونه شیخ صدوق در /مالی روایتی از اخبار غیبی حضرت علی (ع) به میثم تمار نقل کرده که ایشان به جبلة می‌فرماید: «ای جبلة! ... چون بینی خورشید مانند خون تازه سرخ شده بدان که آقایت حسین کشته شده. جبلة گوید روزی بیرون شدم و دیدم آفتاب بر دیوارها چون پارچه‌های زعفرانی است. شیون کردم و گریستم و گفتم به

خدا آقای ما حسین (ع) کشته شد» (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۲۸). یا این روایت از فاطمه، دختر حضرت علی (ع): «یزید دستور داد زنان حسین (ع) را با امام بیمار در زندانی جا دادند که از سرما و گرما جلوگیری نداشت تا چهره‌هایشان پوست گذاشت و در بیت المقدس سنگی برنداشتند، جز آنکه خون تازه زیرش بود و مردم خورشید را بر دیوارها سرخ دیدند، مانند پتوهای رنگین تا علی بن حسین (ع) با زنان بیرون شد و سر حسین (ع) را به کربلا برگرداند» (همان: ۱۶۸). درباره روایت اول صدوق باید گفت اگر میثم تمار به جبله خبر از شهادت امام داده، چرا خود و کسان خود را به یاری امام نفرستاده و صرفاً نظاره‌گر بوده است؟! روایت دوم محل تأمل است (برای نقد هر دو روایت، نک: رفعت، ۱۳۹۶: ۱۱۸ و ۱۳۳)، چراکه با روایت طبرانی، که از نظر گذشت، تعارض دارد. در روایت طبرانی این حوادث مربوط به شهادت امام است، اما این روایت ناظر به اسارت خاندان رسول‌الله است.

۳. بخش دوم روایت که گویای غیرمعتد بودن روایت است حاکی از برخورد ستاره‌ها به یکدیگر تا هفت روز پس از شهادت امام است. در روایت پنجم آمده است که پس از کسوف خورشید، ستارگان نیم‌روز در آسمان ظاهر می‌شدند. گویا قیامت به پا شد. اما در این روایت آمده است که ستاره‌ها در روز ظاهر می‌شدند بدون اینکه خورشید تیره و تار شود. از طرفی برخورد ستاره‌ها با همدیگر سبب نابودی زمین خواهد شد. چگونه هفت روز ستاره‌های نامرئی، مرئی شده و پی‌درپی به هم برخورد می‌کنند و هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد و مردمان با آرامش تماشاگر آن بوده‌اند؟ اگر اتفاقات این روایات در عالم رخ داده باشد، چون از اعاجیب روزگار است که فقط یک مرتبه در این دنیا روی داده است، باید حوادث روزهای پس از شهادت امام به تواتر برای ما رسیده باشد و نه از طریق چند راوی که سند آنها خدشه‌بردار است. دقت و اعتقاد مورخان و محدثان اهل سنت در نقل چنین غرابی در عصر جاهلیت ریشه داشته است. از این رو بدیهی است که ذکر این قبیل داستان‌ها می‌توانست اعراب را به جای آگاه کردن و پرداختن به فلسفه عاشورا و تبیین نهضت امام حسین (ع) و انگیزه این قیام الهی به

آن مسائل مشغول کند و این چیزی بود که حکام اموی و عباسی و مورخان وابسته به آنها مرموزانه دنبال می‌کردند.

حدیث پنجم: سرخ شدن رنگ آسمان از شهادت امام

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی ثنا یحیی الحمانی ثنا حماد بن زید عن هشام بن حسان عن محمد بن سیرین قال: لم یکن فی السماء حمرة حتى قتل الحسين.^۴

۱. حماد بن زید (متوفای ۱۷۹ ه.ق.)، (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۴۵۶/۷؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۹/۳؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۳۸/۱) هشام بن حسان (متوفای ۱۴۷ ه.ق.)، (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۳۵۵/۶؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۲/۱۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۶۶/۲) و محمد بن سیرین (متوفای ۱۱۰ ه.ق.) (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۹۰/۹-۱۹۲؛ همو، ۱۴۱۵: ۸۵/۲) توثیق شده‌اند. اما درباره وثاقت و ضعف یحیی بن عبدالحمید الحمانی (متوفای ۲۲۸ ه.ق.) اختلاف است. ابن معین او را توثیق کرده، اما ابن حنبل، نسایی، بخاری و ... وی را تضعیف و متهم کرده‌اند. ابن حنبل معتقد است وی آشکارا دروغ می‌گوید. ذهبی معتقد است وی به دلیل نقل روایت «كان معاوية على غير ملة الاسلام» شیعی است (مزی، ۱۴۰۶: ۴۳۱/۳۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۳۹۲/۴؛ همو، بی‌تا: ۴۲۳/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۵۲۶/۱۰؛ زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۵۲/۸). هیشمی پس از نقل این روایت می‌نویسد: «این روایت را طبرانی نقل کرده، یحیی حمانی در سندش قرار دارد که ضعیف است» (هیشمی، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹).

۲. این روایت که در منابع دیگر به عنوان کرامت یافت می‌شود (لجنة الحديث، ۱۳۸۰: ۴۳۶/۵؛ حسینی مرعشی، بی‌تا: ۴۷۱/۱۱) گویای آن است که سرخی در آسمان ظاهر نبود تا اینکه حسین (ع) کشته شد. اشکالات دیگر روایات به این روایت وارد است. مدت‌زمان سرخی آسمان در روایت قید نشده، موقعیت مکانی این سرخی مشخص نشده، ضمن اینکه اگر چنین حوادثی در تمام عالم رخ داده باشد، در دیگر کتاب‌های غیرمسلمانان، مانند یهودیان و مسیحیان در دیگر کشورها می‌بایست قید شده باشد، حال آنکه فقط راویان مسلمان به این رویدادهای خرافی پرداخته‌اند و می‌پردازند.

۳. اینک این پرسش فراوری ما است: با فرض قبول پیدایش تغییراتی در آسمان در روزها یا ماه‌های پس از شهادت امام حسین (ع)، آیا می‌توان پذیرفت که هنوز هم سرخی افق به هنگام طلوع و غروب خورشید، ناشی از حُزن و گریه آسمان و خورشید بر شهادت امام حسین (ع) است؟ و در صورت طرح چنین ادعایی، آیا می‌توان پذیرفت که این سرخی پیش از شهادت آن حضرت، وجود نداشته است؟ در این صورت آیا باید مدعی بروز امری خارق عادت در تمامی این چند سال پس از شهادت آن حضرت شویم؟ و آیا می‌توان اثبات کرد که قوانین طبیعی و فیزیکی پیش از شهادت آن حضرت اقتضای چنین چیزی را نداشته است؟ با تأمل در روایات اهل بیت و اصحاب ایشان، نمی‌توان تصریحی بر استمرار سرخی تا عصر حاضر یافت، جز اینکه بعضی روایات مطلقاًند و مقید به زمان خاصی نیستند؛ اما در تعابیر برخی از راویان و مؤلفان اهل سنت، همچون ابن سعد، بلاذری، طبرانی، ابن سیرین یا خطیب بغدادی می‌توان چنین تصریحی یافت. بدین ترتیب نمی‌توان دلیل قطعی از روایات تاریخی برای اثبات چنین امر خارق عادت در طول قرن‌های یادشده اقامه کرد و گزارش‌های یادشده چیزی فراتر از حدس و ظن به دست نمی‌دهد. اما در صورت قبول این روایات چنین توجیه‌پذیرند که آنچه در دوره‌های بعد در افق آسمان پدیده آمد، شدت سرخی به هنگام طلوع و غروب بوده که ناشی از شهادت امام حسین (ع) بوده است؛ گرچه وجود اصل سرخی در ادوار پیش از شهادت نفی نشود.

از اینجا است که ابن‌کثیر دمشقی روایات طبرانی را صراحتاً غریبه و ساخته و پرداخته شیعیان می‌خواند و آن را سبب مبالغه شیعیان در روز عاشورا معرفی می‌کند (ابن‌کثیر، ۱۴۲۲: ۲۰۱/۸). تنها توجیه و تبیین بدوی درباره سرخی آسمان این است که پس از قتل امام حسین (ع) چون رنگ سرخ نمادی از خون است و چون قیام حسینی آمیخته با ایثار خون بوده و این خون همواره زنده است، خورشید و نور آن به هنگام طلوع و غروب، خون‌نما می‌شده و هنوز نیز ادامه دارد. البته این صرفاً توجیه است و‌گرنه توجیه دلیل بر رخداد نخواهد بود.

ب. حوادث غیرطبیعی غیرآسمانی

حدیث نخست: جوشیدن خون تازه از زیر سنگ در بیت المقدس

مضمون و محتوای این روایت در معجم طبرانی به دو سند نقل شده است.

الف. حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی، ثنا یزید بن مهران أبوخالد، ثنا أسباط بن محمد عن أبي بكر الهذلي عن الزهري، قال: لما قتل حسين بن علي رضي الله عنه لم يرفع حجر ببیت المقدس الا وجد دم عیط.^۱

۱. ابوخالد یزید بن مهران (متوفای ۲۲۹ ه.ق.) (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۳۹۰/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۱۸/۱۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۳۳/۲) را رجالیان اهل سنت توثیق کرده‌اند. ابن معین، أسباط بن محمد (متوفای ۲۰۰ ه.ق.) را توثیق کرده اما می‌گوید کوفیان او را تضعیف کرده‌اند (مزّی، ۱۴۰۶: ۳۵۴-۳۵۷/۲؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۷۵/۱؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷۶/۱). ابوبکر هذلی (متوفای ۱۶۷ ه.ق.) را رجالیان متروک‌الحديث خوانده‌اند. ضمن اینکه وی در طبقه زهري قرار ندارد (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۴۱۴/۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۶۹/۲).

۲. این روایت در دیگر کتاب‌ها نیز موجود است که اسنادش اغلب به زهري می‌رسد یا بدون سند نقل کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۰: ۱۶/۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۴۱/۱۲؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۴۴۷/۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۷۷، ۹۳؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱۴۶؛ قتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۹۲/۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۲۰؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۸۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۳/۷؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۶/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۴۳/۴ و ...). ضمن اینکه در الطبقات الکبری و دلائل النبوة تصریح شده که زهري گفته است: «این خبر به من رسیده که در بیت المقدس هیچ سنگی برداشته نشد مگر اینکه از زیر آن خون تازه جاری شد». بنابراین، زهري خود شاهد این ماجرا نبوده است (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۳۵۱/۵؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۷۱/۶).

ب. حدثنا علی بن عبد العزيز ثنا إبراهيم بن عبدالله الهروي أنا هشيم ثنا أبو معشر عن محمد بن عبدالله بن سعيد بن العاص عن الزهري قال: قال لي عبد الملك بن مروان أي واحد أنت إن أخبرتنی أي علامة كانت يوم قتل الحسين بن علي قال قلت لم ترفع

حصاة بیت المقدس إلا وجد تحتها دم عیبط فقال عبدالملک اینی و ایاک فی هذا الحدیث لقرینان (طبرانی، بی‌تا: ۱۱۹/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۶۶).

علی بن عبدالعزیز [ابن المرزبان بن سابور] (متوفای ۲۸۶ ه.ق.)؛ درباره وثاقت او اختلاف شده است. نسایی به شدت او را تکذیب و تضعیف می‌کند، اما دارقطنی وی را ثقه می‌داند (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۳۴۹/۱۳؛ همو، بی‌تا: ۶۲۲/۲).

إبراهیم بن عبدالله الهروی (همو، بی‌تا: ۴۸۴/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۵۹/۱) و ابن شهاب زهري (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۹۴/۵۵؛ ذهبي، ۱۴۱۳ الف: ۲۱۹/۲؛ همو، بی‌تا: ۱۰۸/۱؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۳۲۶/۵؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۹۵/۹؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۳۳/۲) توثیق شده‌اند، در حالی که هشیم [بن بشیر] نیز صدوق خوانده شده، اما وی کثیرالتدلیس و اهل ارسال خفی نیز بوده است (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۲۸۷/۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۶۹/۲). ابو معشر نجیح بن عبدالرحمن ضعیف و دچار تخیل شده است (ذهبی، بی‌تا: ۲۳۴/۱؛ همو، ۱۴۱۳: ۴۳۵/۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۴۱/۲). نام محمد بن عبدالله بن سعید بن عاص، برخلاف نام نوه‌اش، در کتاب‌های رجالی نیست (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۶۱/۱).

۳. برخی منابع شیعی شبیه این دو مضمون را به شهادت حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند. به نظر می‌رسد برخی شیعیان غالی یا دشمنان شامی دست به جعل چنین روایاتی زده‌اند و گرنه برای چنین اتفاقی در بیت المقدس هیچ توجیهی نمی‌توان یافت. این اتفاق می‌توانست در کوفه، مکه یا مدینه رخ دهد، اما برای بیت المقدس توجیهی ندارد. ضمن اینکه برای شهادت پیامبر (ص) که بدون شک مقامی بس عالی‌تر از اهل بیت (ع) دارد، چنین اتفاقی حادث نشد.

۴. ارتباط شهادت امام حسین (ع) در کربلا با بیت المقدس در روایت بیان نشده و هیچ دلیلی نمی‌توان برای آن اقامه کرد. افزون بر این مطلب، این روایت درباره مدت زمان وقوع چنین امری سکوت کرده است. اگر زمانی طولانی بوده که چرایی آن محل بحث است و اگر مدت کوتاهی، مثلاً یک روز یا بیشتر، بوده کسانی که ناقل و شاهد این ماجرا در بیت المقدس بوده‌اند چگونه از شهادت امام باخبر شده‌اند که هر دو

ماجرا را به هم پیوند داده‌اند؟ چون با وسایل آن زمان رسیدن این خبر به بیت‌المقدس از کربلا نیاز به مدتی تقریباً طولانی دارد.

حدیث دوم: جوشیدن خون از زیر سنگ در شام

حدثنا زکریا بن یحیی الساجی، ثنا محمد بن المثنی، ثنا الضحاک بن مخلد عن ابن جریج عن ابن شهاب قال: ما رفع بالشام حجر يوم قتل حسین بن علی الا عن دم^۶ (طبرانی، بی‌تا: ۱۱۳/۳).^۷

۱. علمای رجالی اهل سنت محمد بن المثنی أبو موسی العنزلی (متوفای ۲۵۲ ه.ق.). (مزّی، ۱۴۰۶: ۳۵۹-۳۶۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۲/۲۱۴؛ همو، بی‌تا: ۵۱۲/۲؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۱۲/۱۲۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۲۹/۲)، ضحاک بن مخلد ابوعاصم النبیل (متوفای ۲۱۲ ه.ق.) (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲/۳۲۵؛ همو، بی‌تا: ۳۶۷/۱؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۹/۴۸۰-۴۸۵؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۴۴)، عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج، مشهور به ابن جریج (متوفای ۱۵۰ ه.ق.) (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۱/۶۶۶؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۶/۳۲۵) و ابن شهاب زهري (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵۵/۲۹۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۲/۲۱۹؛ همو، بی‌تا: ۱۰۸/۱؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۵/۳۲۶؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۹/۳۹۵؛ همو، ۱۴۱۵: ۲/۱۳۳) را توثیق کرده‌اند، اما درباره زکریا بن یحیی ساجی (متوفای ۳۰۷ ه.ق.) اختلاف کرده‌اند. ابوالحسن بن القطان می‌گوید درباره او اختلاف است؛ برخی او را توثیق (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/۳۱۴) و برخی تضعیف کردند (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲/۷۹؛ عسقلانی، ۱۳۹۰: ۲/۴۸۸).

۲. بلاذری این روایت را از ضحاک بن مخلد از ابن جریج از ابن شهاب زهري نقل کرده است (بلاذری، ۱۳۷۹: ۳/۲۲۸). برخی کتاب‌های دیگر این روایت را از زهري نقل کرده‌اند (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۱۱/۸۰؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۳۷). البته این روایت شبیه روایت اول است که گویا راویانش در طرق بعد کمی تغییر کرده‌اند.

۳. روایت شبیه روایت اول حاکی از آن است که در روز قتل حسین (ع) هیچ سنگی در شام جابه‌جا نشد، مگر اینکه خون حسین (ع) از زیرش جاری شد. اولاً کسانی که شاهد این خون بوده‌اند چگونه تشخیص داده‌اند که خون حسین بن علی (ع) است که

جاری شده است؟ ثانیاً اشکال حدیث نخست نیز در این روایت بیشتر لحاظ می‌شود که: خبر شهادت امام از فاصله کربلا تا شام چگونه سبب شد برخی مانند زهری این واقعه را به شهادت امام مرتبط کنند؟

حدیث سوم: خاکسترشدن ورس‌های^۸ ربوده‌شده از خیمه امام حسین (ع)
حدثنا علی بن عبد العزیز ثنا إسحاق بن إسماعیل ثنا سفیان حدثنی جدتی أم أبی، قال: رأیت الوریس الذی اخذ من عسکر الحسین، صار مثل الرماد.^۹

۱. علی بن عبد العزیز [ابن‌المرزبان بن سابور] (متوفای ۲۸۶ ه.ق.); گفتیم که درباره او اختلاف است (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۳۴۹/۱۳؛ همو، بی‌تا: ۶۲۲/۲). إسحاق بن إسماعیل [بن العلاء] (متوفای ۲۵۸ ه.ق.). (مزّی، ۱۴۰۶: ۴۰۸/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۹۷/۱) و سفیان [بن عیینة] (متوفای ۱۹۸ ه.ق.). (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۴۵۶/۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۷۱/۱) توثیق شده‌اند، اما در هیچ منبع رجالی نام جدّه سفیان بن عیینة و حال رجالی او نیامده است. لذا نمی‌توان حکم به صحّت سندی این روایت داد.

۲. درباره اینکه در خیمه امام حسین (ع) ورس بوده برخی منابع تاریخی لابه‌لای ماجرای اموالی که امام در تنعیم مصادره کرد، بدان تذکراتی داده‌اند (بلاذری، ۱۳۷۹: ۱۶۴/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۸). گرچه این ماجرا از لحاظ وقوع امکان‌پذیر است، اما از نظر عقلی چه نیازی است که این حادثه واقع شود؟!

حدیث چهارم: حک‌شدن اشعاری خونین‌رنگ بر روی دیوارها به صورت خودنوشت
حدثنا زکریا بن یحیی السّاجی ثنا محمد بن عبد الرحمن بن صالح الأسدی ثنا السری بن منصور بن عمار عن أبیه عن ابن لهیعة عن أبی معی قال: لما قتل الحسین بن علی رضی الله عنهما احتزوا رأسه و قعدوا فی أول مرحلة یشربون النبیذ یتحیون بالرأس، فخرج علیهم قلم من حدید من حائط فکتب بسطر دم:

أترجوا أمة قتلت حسينا شفاعة جدّه یوم الحساب^{۱۰}

(طبرانی، بی‌تا: ۱۲۳/۳)

۱. نام محمد بن عبدالرحمن بن صالح الأسدی، السری بن منصور و پدرش در کتاب‌های رجالی موجود نیست. درباره لهیعة بن عقبه (متوفای ۱۰۰ ه.ق.) نیز گفتیم که وی مجهول‌الحال معرفی شده است (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۴۱۱/۸؛ همو، ۱۴۱۵: ۴۷/۲).

۲. نگاشتن قلمی آهنین به صورت خودکار در صدد اثبات چه نکته‌ای است؟! همچنین، منظور از اینکه این قلم با خون، این بیت شعر را بنویسد چیست؟! چه بسا این بیت شعر را مخالفان حکومت اموی بر روی دیوار نوشته‌اند که برای برخی چون پدر ابن لهیعة این توهم ایجاد شده که قلم به صورت خودکار این بیت را نوشته است. این‌گونه مخالفت‌ها از سوی مخالفان هر حکومتی ممکن است رخ دهد.

۳. در الخرائج والجرائح، بحار الأنوار و دیگر کتاب‌های فضایل، مطالبی مفصل و مضاف بر این روایت گزارش شده است. طبق این نقل، روایت مشتمل بر دو روایت است که سازنده یا ناقل آن هر دو را یکی کرده است. روایت نخست، مطالب پیش‌گفته است و روایت دوم مربوط به فردی یهودی است که در دیر^{۱۱} چون به کاروانی می‌رسد متوجه می‌شود سر پسر پیامبر (ص) بر نیزه است. از عمر بن سعد سر را به قیمتی گزاف، یعنی ده هزار درهم، اجاره می‌کند و پس از شست‌وشوی سر مسلمان می‌شود. سپس به دمشق نزدیک می‌شوند. وقتی سکه‌ها را دیدند در یک طرفش این آیه حک شده بود: «لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ»؛ و در طرف دیگر: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» که ابن سعد در این موضع از کرده خود پشیمان شد (راوندی، ۱۴۰۹: ۵۷۸/۲-۵۷۹؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۳۸/۴-۱۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۴/۴۵-۱۸۶). حال آنکه بسیار بعید است ابن سعد با این کاروان همراه بوده باشد و در هیچ منبعی چنین همراهی‌ای از وی دیده نشده است.

حدیث پنجم: اشعار موجود بر روی سنگ‌های کنیسه‌ها پیش از بعثت پیامبر با مضمون خبر از شهادت امام حسین (ع)

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی ثنا محمد بن غورک ثنا أبوسعید التغلبی عن یحیی بن یمان عن إمام لبني سليم: عن أشياخ له غزو الروم فنزلوا فی کنیسة من کنائسهم فقرأوا فی حجر مكتوب:

أیرجوا معشرا قتلوا حسینا شفاعة جدّه يوم الحساب

فسألناهم منذ کم بنیت هذه الكنيسة قالوا قبل أن یبعث نبیکم بثلاث مائة سنة (طبرانی، بی تا: ۱۲۴/۳).^{۱۲}

۱. شخصی به نام محمد بن غورک در کتاب‌های اهل سنت موجود نیست. نجاشی و شیخ طوسی از او در کتاب‌های خود نام برده‌اند. نجاشی او را قلیل‌الحديث خوانده، اما حال رجالی‌اش مشخص نیست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۱؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۲۵). ابوزرعه و عقیلی، ابوسعید محمد بن اسعد التغلبی را منکر‌الحديث خوانده‌اند (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۴۰/۹؛ همو، ۱۴۱۵: ۵۴/۲). در /مالی صدوق این شخص ابوشعیب تغلبی نامیده شده (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۱) که از نظر نوشتاری شبیه به ابوسعید تغلبی است. یحیی بن یمان اهل خطای بسیار بوده، اما از او به صدوق تعبیر شده است (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۳۵۶/۸؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۶۷/۱۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۱۹/۲). بقیه سند سبب ارسال در روایت شده است. از این رو حدیث ضعیف تلقی خواهد شد.

۲. اگر این ماجرا صحّت داشت، پیش از قتل امام حسین (ع) و به‌ویژه در زمان پیامبر (ص)، یعنی هنگامی که امام متولد می‌شد، باید این خبر در میان مسلمانان انتشار می‌یافت، حال آنکه نه در میان یهودیان و مسیحیان و نه در میان مسلمانان چنین خبری رواج نداشته است. این خبر در کتاب‌های دیگر نیز هست که همه با واسطه یحیی بن یمان نقل شده است (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۱؛ طبری آملی، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

حدیث ششم: مبدّل شدن گوشت شتر به خون

حدثنا زکریا بن یحیی الساجی ثنا إسماعیل بن موسی السدی ثنا ذو ید الجعفی عن أبیه قال: لما قتل الحسین رضی الله عنه انتهب جزور من عسکره فلما طبخت إذا هی دم فأکفوها (طبرانی، بی تا: ۱۲۱/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۶۹-۷۰).^{۱۳}

۱. اسماعیل بن موسی، صدوق معرفی شده که در احادیثش ضمن غلو در تشیع، خطا می‌کند (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۵۱/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۹۲/۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۱). نام ذوید جعفی و پدرش در کتاب‌های رجالی نیست.

۲. اگر چنین واقعه‌ای در میان سپاه عمر بن سعد رخ داده باشد، باید تمام مخبران یا راویان سپاه ابن سعد، کسانی مانند حمید بن مسلم و ... این خبر را گزارش می‌کردند، در حالی که ابومخنف، که اخبار عاشورا را از سپاه امام و ابن سعد برگرفته و به جمع آن اهتمام داشته، از هیچ‌کدام از این افراد خبری نقل نکرده است. ضمن اینکه ابومخنف اسامی غارت‌کنندگان لباس، ابزار جنگی و دیگر وسایل امام را نقل کرده است. همچنین، بلایی را که به سبب غارت بر سرشان آمده است مفصل نقل کرده، اما در این خصوص که بسیار شگفت‌آورتر و غریب‌تر است هیچ مطلبی از او موجود نیست. شاید ادعا شود که ابومخنف در صدد نقل تمامی اخبار نبوده است. در پاسخ می‌توان گفت ابومخنف می‌توانست اخباری را نقل کند که زشتی فعل سپاه ابن سعد را دوچندان نشان دهد، که بی‌تردید این خبر این را بیشتر القا می‌کرد، اما وی به این خبر روی خوشی نشان نداده است. دلیلش واضح است؛ چراکه چنین خبری در واقع رخ نداده تا به نقلش اهتمام ورزد.

۶. نوحه جنیان بر امام حسین (ع)

طبرانی روایاتی حاکی از نوحه‌سرایی جنیان بر امام حسین (ع) نقل کرده که بررسی آنها ضروری است (طبرانی، بی‌تا: ۱۲۲/۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۶۹-۷۱). باید ارزیابی کرد که نیاز عاشورا به حوادث خارق‌العاده و شگفت چه بوده که راویان یا صاحبان کتاب‌ها این مجموعه روایات را نقل کرده‌اند. اگر نوحه‌ای هم شنیده می‌شده فقط افرادی می‌توانستند بشنوند که امکان ارتباط با جنیان برایشان فراهم بوده است. بدون تردید اگر نوحه جنیان فراگیر بوده، روایات بی‌شماری باید باشد که به حد تواتر رسیده باشد، نه صرفاً چند روایت که روایانش افرادی خاص باشند و با اهداف معینی این روایات را نقل کرده باشند. همچنین، باید به این پرسش پاسخ داد که: تفاوت نوحه‌سرایی جنیان با انسان‌ها در چیست که سبب شده است چنین روات یا مؤلفانی به نقل این‌گونه روایات اهتمام بورزند؟ در اینکه حادثه عاشورا آن‌قدر فجیع بوده که هر فرد دارای عواطف انسانی را

به گریه وا داشته و هر جنبنده‌ای را که از تسبیح خدا روی گردان نیست به تأثر انداخته^{۱۴} تردیدی نیست، اما داستان‌سرایی برخی برای نشان دادن وقایعی که حقیقتش را فقط افرادی درمی‌یابند که با قدرت ماورایی در ارتباط‌اند و هیچ ارتباطی به این داستان‌سراها ندارد، حقیقتاً حادثه مهم نهضت عاشورا را تحت تأثیر اخباری از این دست قرار می‌دهد تا افراد از فهم اهداف عالیه آن درمانند.

تمامی این روایات از نظر سندی ضعیف بوده و اغلب به زنان ختم شده است. چه‌بسا دستگاه اموی برای کوبیدن برخی شیعیان [غالی]، که شاید این افسانه‌ها را نقل می‌کردند، دست به جعل اسنادی زده که روایانش زن بوده‌اند، با این هدف که شیعیان روایات خود را از زنانی می‌گیرند که افکار خرافی را در ذهن پرورش می‌دهند. به هر روی، با هر غرضی که بوده، این روایات از نظر سند و متن محل بحث است. در ادامه به این روایات می‌پردازیم.

حدیث نخست

حدثنا علی بن عبدالعزیز ثنا حجاج بن المنهال ثنا حماد بن سلمة عن عمار بن أبی عمار عن أم سلمی رضی الله عنها: سمعت الجن تنوح علی الحسین بن علی رضی الله عنه.^{۱۵}
 ۱. علی بن عبدالعزیز [ابن المرزبان بن سابور] (متوفای ۲۸۶ ه.ق.): درباره او اختلاف است (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۳۴۹/۱۳؛ همو، بی‌تا: ۶۲۲/۲). عمار بن أبی‌عمار صدوق معرفی شده، اما چه‌بسا دچار خطا شود (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۰۷/۱). حجاج بن المنهال (متوفای ۲۱۷ ه.ق.) (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۸۲/۲؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۹۰/۱) و حماد بن سلمة (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۴۴۴/۷؛ همو، بی‌تا: ۲۰۲/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۳؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۳۸۶۶/۱) توثیق شده‌اند. البته توثیقی درباره ام‌سلمی (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۳۴۴/۶) دیده نمی‌شود.

حدیث دوم

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی ثنا سریق بن یونس ثنا عمر بن عبدالرحمن أبوحفص الأبار عن إسماعیل بن عبدالرحمن الأزدی عن أبی جناب قال: از جنیان صدای گریه بر حسین بن علی بن أبی‌طالب چنین شنیده شد که این‌گونه می‌سرودند: «پیامبر خدا دست

بررسی و نقد روایات عاشورایی المعجم الكبير طبرانی و تأثیر آن بر شیعه امامیه / ۱۹۳

مهربانی به پیشانی حسین می کشید و گونه های صورت حسین درخشانده بود. پدر و مادرش از بزرگواران قبیله قریش بودند و جدش نیز بهترین جداها به شمار می رفت».

۱. سرج بن یونس (متوفای ۲۳۵ ه.ق.) (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۴۲۶/۱؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۱۴۶/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۹۷/۳؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۴۱) و عمر بن عبدالرحمن أبو حفص الأبار (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۶۵/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۴۱۶/۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۲۲/۱) ثقه خوانده شده اند. اما اسماعیل بن عبدالرحمن الأزدي را رجالیان منکر الحدیث دانسته اند و بخاری نیز گفته است به روایات وی نمی توان تکیه کرد (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۳۷/۱). یحیی بن ابی حیه، مشهور به ابوجناب کلبی نیز، کثیرالتدلیس و ضعیف خوانده شده است (همان، ۳۷۱/۴؛ عسقلانی، بی تا ب: ۵۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۰۰/۲).

۲. در این روایت شنونده نوحه جنیان ذکر نشده و فعل را به شکل مجهول به کار برده است. چه بسا راوی در صدد نقل شایعه ای است که میان مردم رواج پیدا کرده است.

حدیث سوم

حدثنا محمد بن عثمان بن أبي شيبة ثنا جندل بن والي ثنا عبدالله بن الطفيل عن أبي زيد الفقيني عن أبي جناب الكلبي حدثني الجصاصون، قالوا كنا إذا خرجنا صارت إلى الجبانة عند مقتل الحسين رضي الله عنه، سمعنا الجن ينوحون عليه ويقولون:

مسح الرسول جبينة فله بریق فی الخدود أبواه من عليا قریش جده خیر الجدود

(طبرانی، بی تا، ۱۲۱/۳-۱۲۲) ^{۱۶}

۱. محمد بن عثمان بن أبي شيبة (ذهبی، بی تا: ۶۶۱/۲؛ همو، ۱۴۱۳ ب: ۲۱/۴) و جندل بن والي (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۶۷/۱) توثیق شده اند، اما نامی از عبدالله بن طفیل و ابوزید فقینی موجود نیست. همچنین، ابوجناب کلبی کثیرالتدلیس و ضعیف خوانده شده است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۳۷۱/۴؛ عسقلانی، بی تا ب: ۵۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۰۰/۲).

۲. در هیچ مقتلی جبّانه محلّ شهادت امام شناخته نشده، بلکه کربلا سرزمینی است که امام در آن به شهادت رسیده است. جبّانه محلّ‌هایی است در کوفه که به قبایل اضافه می‌شود، مانند جبّانه کنده، جبّانه السبیع و ... (حموی، ۱۹۹۵: ۹۹/۲). جبّانه السبیع محلی است که مختار ثقفی قیامش را آغاز کرد و آن بخشی از کوفه بود (بلاذری، ۱۳۷۹: ۳۹۹/۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۸/۶).

حدیث چهارم

حدثنا عبدالله بن أحمد بن حنبل ثنا هذبة بن خالد حدثنا حماد بن سلمة عن عمار بن أبي عمار عن أم سلمة: سمعت الجن تنوح على الحسين رضي الله عنه^{۱۷} (طبرانی، بی‌تا: ۱۲۲/۳).

پسر احمد بن حنبل و حماد بن سلمة (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۴۴۴/۷؛ همو، بی‌تا: ۲۰۲/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۳؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۳۸/۱) توثیق شده‌اند. اما برخی هذبة بن خالد (متوفای ۲۳۵ ه.ق.) را توثیق و برخی دیگر تضعیفش کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۳۳۴/۲؛ همو، بی‌تا: ۴۶۵/۲). عمار بن اُبی عمار، صدوق معرفی شده، اما چه‌بسا دچار خطا شود (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۰۷/۱).

حدیث پنجم

حدثنا عبدالله ثنا إبراهيم بن الحجاج ثنا حماد بن سلمة عن عمار عن ميمونة، قالت: سمعت الجن تنوح على الحسين^{۱۸} (طبرانی، بی‌تا: ۱۲۲/۳).

عبدالله [بن احمد]، ابراهیم بن الحجاج (متوفای ۲۳۰ ه.ق.) (مغلطای، ۱۴۲۲: ۱۹۲/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ الف: ۳۹/۱۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۹۸/۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۵۴/۱)، حماد بن سلمة (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۴۴۴/۷؛ همو، بی‌تا: ۲۰۲/۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۳؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۳۸/۱) و میمونه (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶۶۰/۲) توثیق شده‌اند. عمار بن اُبی عمار صدوق معرفی شده، اما او دچار خطا می‌شود (همو، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۰۷/۱).

حدیث ششم

حدثنا القاسم بن عباد الخطابی ثنا سويد بن سعيد ثنا عمرو بن ثابت قال: قالت أم سلمة: از وقتی پیامبر (ص) وفات یافت تا امشب نوحه جنّ را نشنیدم و گویا فرزندم از دست رفته باشد. به کنیز خود گفت: «بیرون رو و خبر گیر»، که ناگاه جنّیه‌ای آمد و گفت: «ای دیده کوشش کن به گریه. پس از من، چه کسی بر آن شهیدان می‌گردد؟! زاری کنی بر گروهی که مرگ آنها را به سوی ستمگری از نسل بنده و غلام می‌برد» (طبرانی، بی‌تا: ۱۲۲/۳).

۱. القاسم بن عباد الخطابی؛ شرح حال وی در کتاب‌های رجالی ثبت نشده؛ سويد بن سعيد [الهروی الأنباری]؛ صدوق است، اما بنا بر نقل بخاری حدیثش منکر و طبق گفته نسایی ضعیف و بنا بر نظر دارقطنی ثقة است (ذهبی، ۱۴۱۳ ب: ۴۱۰/۱۱؛ همو، ۱۳۸۲: ۲۴۸/۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۴۰۳/۱). عمرو بن ثابت نسایی وی را متروک‌الحديث، ابن حبان او را راوی اخبار موضوعه، و ابوداود او را رافضی و برخی وی را شدیدالتشیع می‌دانند (مزی، ۱۴۰۶: ۵۵۳/۲۱-۵۵۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۴۹/۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷۳۰/۱). این در حالی است که ابن غضائری درباره او می‌نویسد: «او را به جهتی طعن کرده‌اند، اما نزد من ثقة است» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۱۱۱). در دیگر کتاب‌های رجالی شیعی صرفاً نام او آمده است. ام‌سلمه نیز همسر پیامبر (ص) و صالحه بوده است (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶۸۵/۲).

۲. این روایت با روایات بی‌شماری که از اهل سنت (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۲۷/۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۳۹/۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۳/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۲۳۰/۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۶۸/۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۱۵۴/۱۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۴: ۲۴۷-۲۶۲؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۱۷/۵) و شیعه (یعقوبی، بی‌تا: ۲۴۵/۲؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۲۴/۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۰؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۴۰؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۹: ۱۰۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵۵/۴؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۵؛ شامی، ۱۴۲۰: ۵۳۵؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۱۱۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۴۳۹/۳ و ۱۹۳/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۴/۱۸ و ۲۳۶/۴۴ و ۲۳۰/۴۵؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۱۶۷/۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۲۵/۱۷، ۱۳۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۳۲۶/۱) رسیده و گویای آن است که پیامبر (ص) تربتی از کربلا را به او دادند و فرمودند هر گاه به رنگ خون درآمد بدان که حسین کشته شده، در تعارض است. چون در آن

روایات آمده است که به هنگام سفر حسین به عراق، ام‌سلمه پیوسته این خاک را به همراه داشت، تا اینکه خونین شد و فهمید به شهادت رسیده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۴۲۷/۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۴: ۲۴۷-۲۶۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۳۹/۱۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۳/۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲: ۲۳۰/۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۶۸/۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۱۵۴/۱۰؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۱۷/۵) اما این روایت مطلع شدن از شهادت امام را به نوحه جنیان منوط دانسته است.

۳. روایاتی را که روایانش زنانی مانند ام‌سلمی، میمونه و ام‌سلمه بودند می‌توان چنین توجیه کرد: چه‌بسا این افرادی که مدعی شنیدن نوحه جنیان بوده‌اند، به دلیل وجود ارتباط با آنها بوده، اما مسئله‌ای که می‌ماند این است که چرا جنیان در مکه یا مدینه به نوحه‌سرایی مشغول شده‌اند و در همان سرزمین کربلا چنین نکرده‌اند.

۴. ابن‌شهر آشوب شنیدن این شعر را به حضرت زینب (س) در منزل خزیمه نسبت داده که از هاتفی شنیده است و نه مشخصاً از جنیان. ایشان ماجرا را برای امام حسین (ع) تشریح می‌کند و امام می‌فرماید: «يَا أَخْتَاهُ كُلُّ الَّذِي قُضِيَ فَهُوَ كَائِنٌ» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۵/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۴۴).

نکته: پاسخ به یک اشکال مقدّر

چه‌بسا این اشکال در ذهن برخی واقع شود که روایات مربوط به پس از شهادت امام یا نوحه جنیان آن قدر فراوان نقل شده که گویا به حدّ تواتر رسیده است. از این‌رو نمی‌توان در رخداد این اتفاقات تردیدی به خود راه داد. چون هم طرق آنها فراوان است و هم از نظر متنی می‌توان به آنها اعتماد کرد.

پاسخی که به نظر می‌رسد این است: در میان شیعه و اهل سنت نمونه‌های مشابهی وجود دارد که از نظر طرق یا از جهت متن به شهرتی رسیده که آن را در مظنه تواتر قرار می‌دهد. اینها را می‌توان به رویدادهای پس از شهادت امام نیز تعمیم داد. یکی از آنها ازدواج ام‌کلثوم، دختر حضرت علی (ع)، با عمر بن خطاب است؛ روایاتی که در کتاب‌های معتبر شیعی نیز نقل شده (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۴۶/۵) تا حدی که می‌توان مدعی شد

از نظر طرق یا متن‌های مختلف در حدّ تواتر است، اما بسیاری از محققان به دلیل اضطرابات سندی و متنی آن را ناپذیرفتنی می‌دانند (مفید، ۱۴۱۴: ۶۰-۶۳).^{۱۹} از نمونه‌های دیگر روایات جمع قرآن (نک: خویی، بی‌تا: ۲۳۵-۲۵۷) یا روایاتی که حاکی از منع حدیث توسط پیامبر (ص) است (نک: معارف، ۱۳۹۲: ۴۴-۹۵؛ مؤدب، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۹۸). احادیث فراوان با این مضمون که «حَدِّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ» نیز از این نمونه است (دیاری بیدگلی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). فطرس، فرشته‌ای که از درگاه خداوند رانده شد و با وساطت امام حسین (ع) بازگردانده شد، نیز از جمله موضوعاتی است که روایات بی‌شماری درباره آن وارد شده است (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۶؛ صدوق، ۱۳۵۶: ۱۳۷؛ طبری آملی، ۱۴۱۳: ۱۹۰ و ...). حال آنکه از نظر دلالتی خدشه‌پذیر است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۰۰/۳؛ قاسم احمد، ۱۳۹۳). لذا از گزارش‌های دالّ بر رخداد حوادث غیرطبیعی پس از شهادت امام، تحقق برخی امور غیرطبیعی ثابت نمی‌شود؛ اما اینکه وقایع غیرطبیعی از اساس رخ داده یا رخ نداده، بحث دیگری است که در این مجال نمی‌گنجد. زیرا روایات متعددی از فریقین، که به شهرت هم رسیده است، اصل این تحقق را اثبات می‌کند، اما در نحوه جزئیات و چگونگی آن نیازمند بررسی بیشتر است.

نتیجه

۱. گرچه طبرانی محدث است و محدث بیشتر به دنبال نقل است و نه تحلیل، اما رهیافت و دیدگاه در نقل نیز مؤثر است. رویکرد فکری طبرانی در مواجهه با روایات امام حسین (ع) پذیرش اخباری است که بیشتر رنگ غیب و اعجاز به خود گرفته است، چراکه وی به اخبار تاریخی دیگر، اعم از دلایل خروج امام از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا و وقایع رخ داده در میانه این مسیر نمی‌پردازد و صرفاً به لایه‌هایی خاص اشاره می‌کند. بنا بر آنچه گذشت، وی بیشتر به دنبال روایاتی است که پیام مهم عاشورا را، که برگرفته از روح آزادی و زیر بار ظلم نرفتن است، نادیده بگیرد و با این اخبار سعی در نشان دادن رویکردی دارد که هدف اصلی نهضت امام را تحت تأثیر چنین

دیدگاهی قرار دهد. دیگر عالمان اهل سنت نیز این دیدگاه را از شخصیتی مثل طبرانی گرفته‌اند و به همین دلیل برخی از ایشان، مانند ابن عساکر، ذهبی و ...، این روایات را با لعاب بیشتری بیان کرده‌اند.

۲. چه بسا طبرانی برای مخدوش کردن اعتبار شیعه این روایات را نقل کرده باشد. همچنین، شاید راویانی این کار را کرده باشند که یا عنادگونه اخبار شگفت نقل کرده‌اند یا به سبب همکاری با حکومت وقت اموی و به منظور ضربه زدن به این مکتب فکری به نقل این روایات روی آورده‌اند.

۳. رخداد‌های خارق‌العاده و غیرطبیعی از دیگر روایاتی است که طبرانی آنها را به معصومان شیعه متصل نکرده و ضعف سندی نیز دارد. این روایات اساس مقتل طبرانی را تشکیل می‌دهد. همه این روایات، علاوه بر ضعف جدی سندی، ضعف متن، تناقض و تعارض عقلی جمع‌ناشدنی هم دارد. مثلاً برخی از این روایات سرخی آسمان را شش ماه، برخی دو یا سه ماه و ... دانسته‌اند.

۴. برخی از راویان اول اسناد، زنانی هستند که ظاهراً به انتشار چنین اخباری علاقه نشان می‌دادند.

۵. نمی‌توان مدعی شد که کثرت این روایات در کتاب‌های روایی و تاریخی شیعه و سنی دلالت بر وقوع حادثه دارد، چراکه غالب این روایات، تکرار و برداشت از کتاب‌های پیشین شخص مؤلف است. بنابراین، نمی‌توان قدر متیقنی برای آنها متصور شد. ضمن اینکه تواتر در صورتی معتبر است که امکان تبانی یا حتی وجود تناقض و نیز تعارض مستقر در آن وجود نداشته باشد. لذا ضروری است شرایط کثرت نقل، اعم از شروط ایجاد و علم‌آوردنش، نیز در اخذ و پذیرش آنها لحاظ شود.

۶. روایات رخداد‌های غیرطبیعی، چونان روایات فقهی نیستند که هر مؤلفی بنا بر روش و سبک یا اعتقاد خویش در کتاب‌هایش ثبت کند. مورخان یا نویسندگان، بنا بر آنچه شنیده یا خوانده بودند، مطالبشان را نقل می‌کردند. از این رو نمی‌توان نقل احادیث ضعیف و مجموع آنها را دلیل بر صحت پنداشت، چراکه این احادیث از سنخ احادیث

فقهی نیستند که مجموع آنها را اماره‌ای دانست که قطعاً اتفاق افتاده است. روایات تاریخی به مثابه احادیث اعتقادی یا فقهی نیستند که بتوان تراکم ظنون را دالّ بر صحّت آن دانست.

۷. در میان منابع اهل سنت، معجم طبرانی و تاریخ ابن عساکر در نقل این روایات پیشگام‌تر بوده‌اند و بیشترین استقبال را کرده‌اند، اما طبری و تا حدی بلاذری که روش روایتگری‌شان متفاوت با دیگر مورخان یا محدثان است کمترین روایات را نقل کرده‌اند. در میان شیعه نیز کامل الزیارات و کتاب‌های قرن دهم به بعد بیشترین توجه را به نقل این روایات داشته‌اند، اما الارشاد شیخ مفید تنها کتاب متقدم و معتبر شیعی است که گویا به این روایات اعتنایی نکرده است.

۸. وجود طرق مختلف و نیز متن‌های متعدد دلالتی بر پذیرش این اخبار نیست، چراکه نمونه‌های دیگری از احادیث مختلف در فریقین هست که علاوه بر وجود طرق متعدد، حتی از نظر سندی در خور استنادند، اما دانشمندان دلایل متعددی، اعم از سند یا متن بر ردّ آن اقامه کرده‌اند. از این رو نمی‌توان درباره اخبار حوادث غیرطبیعی پس از شهادت امام، مدّعی تواتر یا در حد تواتر شد. چون معنای حقیقی تواتر در اینها ثابت نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. گردآورنده مقتل الحسین (ع) طبرانی، خود، اسناد را بررسی، و تقریباً همه آنها را جزء ثقات معرفی می‌کند، البته نه به صورت جزئی.
۲. امام رضا (ع) در حدیثی صحیح‌السند خطاب به ریّان بن شبيب شمار شهدای کربلا را هجده نفر معرفی کرده‌اند؛ نک: صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۰.
۳. ملحفه‌های رنگین به رنگ گل معصفر.
۴. در آسمان سرخی نبود تا اینکه حسین (ع) کشته شد.
۵. وقتی حسین بن علی کشته شد، در بیت‌المقدس هیچ سنگی برداشته نشد، مگر اینکه از زیر آن خون تازه یافت می‌شد.
۶. در شام در روز قتل حسین بن علی هیچ سنگی برداشته نشد مگر اینکه زیر آن خونی بود.

۷. شبیه حدیث اول و دوم در منابع شیعی و سنی نقل شده که بررسی خواهیم کرد.
۸. «ورس» گیاهی به شکل کنجد، زردرنگ است که با آن رنگ را زرد می‌کنند و از آن زعفران پدید می‌آید و فقط در یمن یافت می‌شود (نک: زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰/۹). برخی مترجمان آن را به «روناس» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۹۶۸/۷) یا «زعفران» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۹/۱۱) ترجمه کرده‌اند.
۹. دیدم که ورس‌هایی که از خیمه حسین ربوده شد، چونان خاکستر شد.
۱۰. چون حسین را کشتند، سرش را جدا کردند، مشغول می‌گساری و عشرت شدند و با سر بازی می‌کردند. ناگهان دستی از دیوار پدیدار شد و با قلمی آهنین، این بیت را با خون بر دیوار نوشت: «آیا امتی که حسین را کشتند در روز حساب، امید شفاعت جد او را دارند؟!». با مشاهده این صحنه عجب آنان برخاستند و آن سر مقدس را ترک کردند و پا به فرار گذاشتند و سپس بازگشتند.
۱۱. در روایت ابن شهر آشوب «قتسرین» ثبت شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۰/۴).
۱۲. از شیوخ بنوسلیم نقل شده است که به سرزمین‌های روم حمله بردیم. داخل کنیسه‌ای از کنیسه‌هایشان شدیم. در آن بیت شعری یافتیم که نوشته بود: «آیا گروهی که حسین را کشتند در روز حساب امید شفاعت از جدش را دارند؟!». پرسیدیم: «از چه سالی این مطلب بر این کنیسه نوشته شده است؟». گفتند: «سیصد سال پیش از اینکه پیامبران مبعوث شود».
۱۳. چون حسین (ع) کشته شد، شتری از لشکرش غارت شد. چون آن را پختند، ناگاه خون شد. از این رو از آن دست کشیدند.
۱۴. بنا بر آیه ۱۴ سوره اسراء، بی‌توجهی انسان‌ها ناشی از فقدان درک و شعور آنها است نه اینکه این جنبندگان از ادراک و شعور بی‌بهره‌اند.
۱۵. گوید: نوحه جنیان را شنیدم که بر حسین بن علی (رضی الله عنه) نوحه‌سرایی می‌کردند.
۱۶. گچکاران برای من نقل کردند که شبی به جانب صحرا رفتیم و از جلوی قتلگاه امام حسین (ع) گذشتیم که جنیان شعری را می‌خواندند که: «رسول خدا (ص) بر پیشانی حسین (ع) دست می‌کشید، در حالی که صورتی بسیار نورانی داشت. پدر و مادرش از طایفه قریش بودند و جد او بهترین جداها است».
۱۷. صدای ناله جنیان بر حسین را شنیدم.
۱۸. صدای ناله جنیان را شنیدم.
۱۹. به نظر می‌رسد مؤلف تزویج *أم کلثوم* من عمر کامل‌ترین بررسی را در این زمینه انجام داده است.

منابع

قرآن کریم.

ابن اثیر، عزّ الدین ابی الحسن (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ*، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

ابن اثیر، عزّ الدین ابی الحسن (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر، دار بیروت.

ابن اثیر، عزّ الدین ابی الحسن (۱۴۰۹). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر.

ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)*، تحقیق: حسن بن احمد موسوی، ابو الحسن بن مسیح، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن أعمش کوفی، احمد بن علی (۱۴۱۱). *الفتوح*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء.

ابن بابویه قمی (صدوق)، ابو جعفر محمد (۱۳۷۶). *الأمالی*، تهران: کتابچی.

ابن بابویه قمی (صدوق)، ابو جعفر محمد (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا (ع)*، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: جهان.

ابن بابویه قمی (صدوق)، ابو جعفر محمد (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: داوری.

ابن بطریق، یحیی بن حسن (۱۴۰۷). *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

ابن جوزی، ابو الفرج (۱۴۱۲). *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن حبان، محمد أبو حاتم (۱۳۹۳). *الثقات*، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، مؤسسة الکتب الثقافیة.

ابن حبان، محمد أبو حاتم (بی تا الف). *السيرة النبویة و أخبار الخلفاء*، تحقیق: عزیر زند، بیروت: الکتب الثقافیة.

ابن حبان، محمد أبو حاتم (بی تا ب). *کتاب المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*، تحقیق: محمود إبراهیم زائد، مکه: دار الباز.

ابن خشاب بغدادی، محمد عبد الله بن نصر (بی تا). *تاریخ موالید الأئمة*، قم: مکتبة آية الله مرعشی نجفی.

ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸). *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق: خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر.

ابن خیاط، أبو عمرو خلیفة (۱۴۱۵). *تاریخ خلیفة بن خیاط*، تحقیق: فواز، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- ابن سعد، محمد (١٤١٤). *الطبقات الكبرى*، تحقيق: محمد بن صامل السلمی، طائف: مكتبة الصديق.
- ابن شاهين، عمر (١٤٠٤). *تاريخ اسماء الثقات*، تحقيق: صبحی سامرائی، تونس: دار السلفية.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (١٣٧٩). *مناقب آل ابی طالب (ع)*، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (١٣٤٨). *التهوف علی قتلى الطفوف*، ترجمه: احمد فهري زنجاني، تهران: جهان.
- ابن طاووس، علی بن موسی (١٤١٦). *التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن [الملاحم والفتن]*، تحقيق و چاپ: اصفهان: مؤسسة صاحب الأمر.
- ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله (١٤١٢). *الإستيعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقيق: علی محمد البجاوی، بيروت: دار الجيل.
- ابن عدی، أبو أحمد عبد الله (١٤٠٩). *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقيق: يحيى مختار غزاوی، بيروت: دار الفكر.
- ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن (١٤١٤). *ترجمة الإمام الحسين (ع)*، تحقيق: محمد باقر محمودی، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن (١٤١٥). *تاريخ مدينة دمشق*، تحقيق: علی شیری، بيروت: دار الفكر.
- ابن غضائری، احمد بن حسين (١٣٦٤). *الرجال*، تحقيق: محمدرضا حسینی، قم: دار الحديث.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦). *کامل الزیارات*، تحقيق: عبد الحسين امینی، نجف: دار المرتضوية.
- ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء إسماعیل (١٤٢٢). *البدایة والنهاية*، بيروت: دار المعرفة.
- ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب (بی.تا). *الفهرست*، تحقيق: رضا تجدد، بی.جا: بی.نا.
- ابن نما، جعفر بن محمد (١٤٠٦). *مثير الأحرار*، تحقيق و چاپ: قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
- ابن نما، جعفر بن محمد (١٤١٦). *ذوب النصار فی شرح الثار*، تحقيق: فارس حسون کریم، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن يحيى (١٤١٧). *وقعة الطف*، تحقيق: محمد هادی یوسفی غروی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- اربلی، علی بن عیسی (١٣٨١). *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- اصفهانی، ابو الفرج (بی.تا). *مقاتل الطالبین*، تحقيق: سید احمد صقر، بيروت: دار المعرفة.

بررسی و نقد روایات عاشورایی المعجم الكبير طبرانی و تأثیر آن بر شیعه امامیه / ۲۰۳

- اندلسی، ابن عبد ربه (۱۴۰۴). *العقد الفريد*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- باعونی شافعی، محمد بن أحمد (۱۴۱۵). *جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی (ع)*، تحقیق: محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الإسلامية.
- بحرانی اصفهانی، عبد الله (۱۴۱۳). *عوالم العلوم*، قم: مؤسسة الامام المهدي (عج).
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳). *مدینه معاجز الأئمة الاثنی عشر*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- بخاری، أبونصر سهل بن عبد الله (۱۴۱۳). *سّر السلسلة العلویة*، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، قم: شریف رضی.
- بلاذری، احمد (۱۳۹۷). *أنساب الأشراف*، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت: دار التعارف.
- بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین (۱۴۰۵). *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق: عبد المعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین (بی تا). *السنن الکبری*، بی جا: دار الفکر.
- جزائری، نعمت الله (۱۴۲۷). *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). *إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی.
- حسینی مرعشی، سید نور الله (بی تا). *شرح إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، تعلیق: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، قم: منشورات مكتبة آية الله مرعشی نجفی.
- حسینی موسوی، محمد بن أبی طالب (۱۴۱۸). *تسلية المجالس و زينة المجالس*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱). *رجال العلامة الحلی*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف: دار الذخائر.
- حموی، شهاب الدین (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- حنبلی دمشقی، ابن العماد شهاب الدین ابو الفلاح (۱۴۰۶). *شذرات الذهب*، تحقیق: الأرناؤوط، دمشق- بیروت: دار ابن کثیر.
- خوارزمی، موفق بن احمد خطیب (بی تا). *مقتل الحسين (ع)*، تحقیق: محمد سماوی، قم: انوار الهدی.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). *البيان فی تفسیر القرآن*، بی جا: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
- دینوری، ابن قتیبہ (۱۴۱۰). *الإمامة والسياسة*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء.
- دینوری، ابن قتیبہ (۱۹۹۲). *المعارف*، تحقیق: ثروت عکاشة، القاهرة: الهيئة المصرية.

دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸). *الأخبار الطوال*، تحقیق: عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم: منشورات الرضی.

دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۸۳). *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر، تهران: سهروردی*.
ذهبی، شمس الدین محمد (۱۳۸۲). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة.

ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۰). *تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق: عبد السلام قدمری، بیروت: دار الكتاب العربی.

ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ الف). *الکاشف فی معرفة من له رواية فی کتب السنة*، تحقیق: محمد عوامة، جدة: دار القبلة.

ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ ب). *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.

ذهبی، شمس الدین محمد (بی تا). *تذکرة الحفاظ*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
رازی، أبو محمد عبد الرحمن (۱۳۷۱). *الجرح والتعديل*، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية بحیدر آباد الدکن الهند، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

رافعی، عبد الکریم (بی تا). *فتح العزیز شرح الوجیز*، بی جا: دار الفکر.
راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹). *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج).
رحمان ستایش، محمدکاظم؛ رفعت، محسن (۱۳۸۹). «روایات عاشورایی الفتوح ابن اُعثم کوفی در میزان نقد و بررسی»، در: *حدیث پژوهی*، ش ۳، ص ۷۹-۱۱۶.

رفعت، محسن (۱۳۹۴). «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین (ع) از آغاز تا قرن چهاردهم»، رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: محمدکاظم رحمان ستایش، استادان مشاور: محمدتقی دیاری بیدگلی و مصطفی دلشاد تهرانی، قم: دانشگاه قم.

رفعت، محسن (۱۳۹۶). «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق در میزان نقد»، در: *شبیعة پژوهی*، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۱۳-۱۴۲.

زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی هلالی و سیری علی، بیروت: دار الفکر.

زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰). *الأعلام*، بیروت: دار العلم.

زرنندی حنفی، جمال الدین محمد (۱۳۷۷). *نظم درر السمطین فی فضائل المصطفی والمرتضی والبتول والسبطین*، بی جا: بی نا.

- سبط بن جوزی، شمس الدین (۱۴۱۸). تذکرة الخواص، قم: الشریف الرضی.
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰). الدر النظیم فی مناقب الأئمة الهمام، قم: جامعه مدرسين.
- شاوی، علی؛ طبسی، نجم الدین (۱۳۸۶). با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، قم: زمزم هدایت.
- شهید اول، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۹). ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، تحقیق و چاپ: مؤسسة آل البيت.
- صالح، صبحی (۱۹۷۳). علوم الحديث و مصطلحه، بیروت: دار العلم.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- صحتی سردودی، محمد (۱۳۸۵). عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)، قم: خادم الرضا.
- طباطبائی، سید عبد العزیز (بی تا). اهل البيت فى المكتبة العربية، قم: آل البيت (ع).
- طبرانی، أبو القاسم سلیمان (۱۴۱۲). مقتل الحسين بن علی بن ابی طالب (ع)، تحقیق: محمد شجاع ضیف الله، کویت: دار الأوراد.
- طبرانی، أبو القاسم سلیمان (بی تا). المعجم الصغير، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الإحتجاج على أهل اللجاج، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیة.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۲). تاج الموالید، بیروت: دار القاری.
- طبری آملی، عماد الدین (۱۳۸۳). بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدرية.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ الطبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طبری، احمد بن عبد الله (۱۳۵۶). ذخائر العقبی، القاهرة: مكتبة القدسی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأمالی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). الفهرست، تحقیق: عبد العزیز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

- طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۹). *الثاقب فی المناقب*، تحقیق: علوان نبیل رضا، قم: انصاریان.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (۱۳۹۰). *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (۱۴۰۴). *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵). *تقریب التهذیب*، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (بی نا الف). *التلخیص الحبیر فی تخریج الرافعی الکبیر*، بیروت: دار الفکر.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (بی نا ب). *طبقات المدلسین*، تحقیق: عاصم بن عبد الله قریونی، بی‌جا: مکتبة المنار.
- عقیلی، أبو جعفر محمد بن عمرو (۱۴۱۸). *ضعفاء العقیلى*، تحقیق: عبد المعطی أمین قلعبی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- علوی، علی بن محمد (۱۴۰۹). *المجادی فی أنساب الطالبین*، تحقیق: أحمد مهدوی دامغانی، قم: مکتبة آية الله العظمی مرعشی نجفی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین*، قم: رضی.
- قاسم احمد، مریم (۱۳۹۳). «نقد دلالی روایت‌های فطرس ملک»، در *تحقیقات علوم قرآن وحديث*، دوره ۱۱، ش ۲۱، ص ۱۰۳-۱۲۶.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶). *ینابیع المودة لذوی القربى*، تحقیق: سید علی جمال اشرف حسینی، بی‌جا: دار الأسوة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *الکافی*، تحقیق: علی اکبر الغفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کوفی، فضیل بن زبیر (۱۴۰۵). «تسمیة من قتل مع الحسین (ع)»، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، *تراثنا*.
- لجنة الحديث فی معهد باقر العلوم (ع) (۱۳۸۰). *موسوعة شهادة المعصومین (ع)*، قم: نور السجّاد.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳). *الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة*، تحقیق: مرتضی بن زید محطوری، یمن: بی‌نا.
- مزی، جمال الدین أبو الحجاج (۱۴۰۶). *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة.

بررسی و نقد روایات عاشورایی المعجم الكبير طبرانی و تأثیر آن بر شیعه امامیه / ۲۰۷

مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة.

مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین (بی تا). *التنبیه والإشراف*، تصحیح: عبد الله اسماعیل صاوی، القاهرة: دار الصاوی.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶). *اثبات الوصية*، قم: انصاریان.

معارف، مجید (۱۳۹۲). *تاریخ عمومی حدیث با رویکردی تحلیلی*، تهران: کویر.

مغربی، قاضی نعمان (۱۴۰۹). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ع)*، تحقیق: محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرّسین.

مغلطای، علاء الدین (۱۴۲۲). *إکمال تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق: أبو عبد الرحمن أبی محمد عادل، بی جا: الفاروق الحديثة.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ الف). *الإختصاص [منسوب به شیخ مفید]*، تحقیق: علی اکبر غفاری؛ محمود محرمی زرنندی، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ب). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق: مؤسسة آل البيت (ع)، قم: کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴). *المسائل العکبرية*، تحقیق: علی اکبر إلهی خراسانی، بیروت: دار المفید.

مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰). *إمتاع الأسماع*، تحقیق: محمد عبد الحمید النمیسى، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مناوی، محمد عبد الرؤوف (۱۴۱۵). *فیض التقدير شرح الجامع الصغیر*، تحقیق: أحمد عبد السلام، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مؤدب، سید رضا (۱۳۹۴). *تاریخ حدیث*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

نجفی جواهری، محمد حسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۲). *مستدرکات علم رجال الحديث*، بی جا، بی نا.

نویری، شهاب الدین (۱۴۲۳). *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، القاهرة: دار الکتب والوثائق القومية.

هاشمی بغدادی، ابو جعفر محمد (بی تا). *المحبر*، تحقیق: ایلزة لیختن شتیر، بیروت: دار الآفاق الجديدة.

هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر (۱۴۰۸). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دار الکتب العلمیة.

٢٠٨ / پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال هفتم، شماره سیزدهم

یافعی، عبدالله بن اسعد (بی تا). *مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان*، تحقیق:

خلیل عمران منصور، بیروت: دار الکتب العلمیة.

یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

References

Holy Quran.

Ibn Athir, 'Iz Al-Din Ibil-Hassan (1951). *Al-Kamil fi Al-Tarikh* [in Arabic], Translated by: AbulQasim Halat and 'Abbas Khalili, Tehran: 'Ilmi Press Institute.

Ibn A'tham Kufi, Ahmad ibn 'Ali (1990). *Al-Fotuh* [in Arabic], Research: 'Ali Shiri, Beirut: Dar Al-Adwa'.

Ibn Babawayh Qomi (Saduq), Abu Ja'far Mohammad (1956). *Al-Amili* [in Arabic], Tehran: Kitabchi.

Ibn Babawayh Qomi (Saduq), Abu Ja'far Mohammad (1955). *'Uyun Akhbar al-Rida 'Alayh al-Salam* (Springs of Hadiths from al-Rida Peace be upon Him). Research: Mahdi Lajewardi, Tehran: Jahan Publications.

Ibn Babawayh Qomi (Saduq), Abu Ja'far Mohammad (1965), 'Ilal Al-Sharaye' (Reasons for Issues of Shari'a), Qom: Dawudi.

Ibn Betriq, Yahya ibn Hassan (1986). *'Umdat 'Uyun Sihah Al-Akhbar fi Manaqib Imam Al-Abrab* (the Major Springs of Accurat Hadith Regarding the Virtues of Imam). Qom: Mu'assisat Al-Nashr Al-Islamiyya.

Ibn Jowzi, Abulfaraj (1991). *Al-Muntazam fi Tarikh Al-'Umam wa Al-Moluk* [in Arabic], Research: Mohammad Abdulqadir 'Ata wa Mustafa 'Abdulqadir 'Ata, Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.

Ibn Haban, Mohammad Abu Hatam (1973). *Al-Theqat* [in Arabic], Heidar Abad: Majlis Da'irat Al-Ma'arif Al-'Uthmaniyya (The Office of 'Uthmaniyya Encyclopedia), Mu'assisat Al-Kutub Al-Thiqafiyya.

Ibn Haban, Mohammad Abu Hatam. *Al-Sirat Al-Nabawwiya wa Akhbar Al-Kholafa* (Holy Prophet's Practice and Caliphs' Hadith), Research: 'Aziz Zand, Beirut: Al-Kutub Al-Thiqafiyya.

Ibn Haban, Mohammad Abu Hatam. *Kitab Al-Majruhin min Al-Muhaddithin wa Al-Du'afa wa Al-Matrukin*, Research: Mahmoud Ibrahim Za'id, Mecca: Dar Al-Baz.

Ibn Khasshab Baghdadi, Mohammad 'Abdullah Ibn Nasr. *Tarikh Mawalid Al- A'ima*, (History of The Imams' Offsprings), Qom: Maktabat Ayatullah Mar'ashi Najafi.

Ibn Khaldun, 'Abd Al-Rahma ibn Mohammad (1987). *Tarikh ibn Khaldun* (Ibn Khaldun History), research: Khalil Shahada, Beirut: Dar Al-Fikr.

Ibn Khayyat, Abu 'Amru Khalifa (1994), *Tarikh Khlifa bin Khayyat* (the History of Calif Bin Khayyat, research: Fowaz, Beirut: Dar Al-Kitab Al'Ilmiyya.

- Ibn Sa'd, Mohammad (1993). *Al-Tabaqat Al-Kubra* [in Arabic], Research: Mohammad Ibn Samil Al-Salami, Ta'if: Maktabat A-Seddiq.
- Ibn Shahin, 'Umar (1983). *Tarikh Asma' A-Thiqat* (History of Trusted names), Research: Sobhi Samira'I, Tunisia: Dar Al-Salafiyya.
- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn 'Ali (1959). *Manaqib Al Abi Talib 'Alayhim al-Salam* (The Virtues of the Family of Abu Talib Peace be Upon Them), Qom, 'Allameh.
- Ibn Tawus, 'Ali ibn Musa. (1929). *Al-Luhuf 'ala Qatla al-Tufuf* (Sighs of Sorrow for the Victims of the Riverside). Translated by: Ahmad Fahri Zanjani, Tehran: Jahan Publications.
- Ibn Tawus, 'Ali ibn Musa (1995). *Al- Tashrif Bi Al- Minan fi Al-Ta'rif Bi Al-Fitan* [Al-Malahim wa Al-Fitan] [in Arabic], Research And Publication: Isfahan: Mu'assisat Sahib Al-Amr.
- Ibn 'Abd Al-Bir, Abu 'Umar Yusuf Ibn 'Abdullah (1993). *Al-Isi'yab fi Ma'rifat Al-Ashab* [in Arabic], Research: 'Ali Mohammad Al-Bajawi, Beirut: Dar Al-Jeil.
- Ibn 'Uday, Abu Ahmad 'Abdullah (1988). *Al-Kamil fi Du'afa Al- Rijal* [in Arabic], research: Yahya Mukhtar Ghazawi, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Ibn 'Asakir, Abulqasim 'Ali Ibn Hassan (1993). *Tarjumat Al- Imam Al-Hassan* [in Arabic], Research: Mohammad Baqir Mahmoudi, Qom: Majma' Ihya' Al-thiqafa Al-Islamiyya.
- Ibn 'Asakir, Abulqasim 'Ali Ibn Hassan (1994). *Tarikh Madinat Al-Damishq* (History of Damascus city), Research: 'Ali Shiri, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Ibn Ghaza'iri, Ahmad ibn Hussain (1985). *Al-Rijal* (Figures of Hadiths). Research: Mohammad Rida Hussaini, Qom: Dar Al-Hadith.
- Ibn Qulawayh, Ja'far ibn Muhammad. (1977). *Kamil a-Ziyarat* (Complete Collection of Pilgrimages). Research: 'Abd al-Husayn Amini. Najaf: Dar al-Murtadawiyya. [In Arabic].
- Ibn Kathir DAMishqi, Abulfada' Isma'il (2001). *Al-Bidaya wa Al-Nihayya* (the Origin and the Ultimate), Beirut: Dar Al-Ma'rifat.
- Ibn Nadim, Mohammad ibn abi Ya'qub. *Al-Fihrist* (the List), Research: Rida Tajaddud.
- Ibn Nama, Ja'far ibn Mohammad (1985). *Muthir al-Ahzan*. Research and Publication by: Qom, Al-Imam al-Mahdi School.

- Ibn Nama, Ja'far ibn Mohammad (1995). *Zowb Al-Nadar fi Sharh Al-Thar* [in Arabic], Research: Faris Hassun Karim, Qom: Mu'assissat AL-Nashr Al-Islamiyya.
- Abu Mukhannaf Kufi, Lut Ibn Yahya (1996). *Waq'at Al-Ttaf* [in Arabic], Research: Mohammad Hadi Yusufi Gharawi, Qom: Mu'assissat AL-Nashr Al-Islamiyya.
- Irbili, 'Ali ibn 'Isa. (2002). *Kashf al-Ghimma fi Ma'rifat al-A'imma* (Removal of Sadness in Knowledge of the Iamms). Research: Seyyed Hashim Rasuli Mahallati, Tabriz, Bani Hashimi.
- Isfahani, Abulfaraj. *Maqatil Al-Talibin* [in Arabic], Research: Seyyed Ahmad Saqar, Beirut: Dar Al-Ma'rifat.
- Andelusi, Ibn 'Adb Raba (1983). *Al-'Aqd Al-Farid* [in Arabic], Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Ba'uni Shafi'I, Mohammad ibn Ahmad (1994). *Jawahir Al-Matalib fi Manaqib Al-Imam 'Ali Peace be upon him* (Valuable Material regarding virtues of Imam 'Ali), research: Mohammad Baqir Mahmoudi, Qom, Majma' Ihya' Al-Thiqafa Al-Islamiyya.
- Bahrani Isfahani, 'Abdullah (1992). *'Awalim Al-'ulum* [in Arabic], Qom, Imam Mahdi School.
- Bahrani, Seyyed Hashim Ibn Sulaiman (1992). *Madiant Ma'ajiz Al-A'imma Al-Ithna 'Ashar* [in Arabic], Qom: Mu'assissat Al-Ma'arif Al-Islamiyya.
- Bukhari, Abu Nasr Sahl Ibn 'Abdullah (1992), *Serr Al-Silsilat Al-'Alawiyya* (the Secret Of 'Alawi Dynasty), Research: Seyyed Mohammad Sadiq Bahr Al-'ulum, Qom: Sharif Radi.
- Belazari, Ahmad (2018). *Ansab Al-Ashraf* (Titles of the Noble), Research: Mohammad Baqir Mahmoudi, Beirut: Dar Al-Ta'aruf.
- Beihaqi, Abu Bakr Ahmad Ibn Hussain (1984). *Dala'l Al-Nobowwa wa Ma'rifat ahwal Sahib Al-Shari'at* (Reasons of Prophecy and knowing the status of the founder of Shari'a), Research: 'Abdumu'ti Qul'aji, Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Beihaqi, Abu Bakr Ahmad Ibn Hussain. *Al-Sunnan Al-Kubra* (the Great Sunnah), Dar Al-Fikr.
- Jaza'iri, Ne'matullah (2006). *Riad Al-Abrar fi Manaqib Al-Aimmat Al-Athar* [In Arabic], Beirut: Mu'assissat Al-Tarikh Al-'Arabi.
- Jawadi Amuli, 'Abdullah (2005). *Tasnim*, Interpretation of Quran, Qom: Asra'.

- Hurr 'Amili, Muhammad ibn al-Hasan (2004). *Ithbat Al-Huda Bi Nusus wa Al-Mu'jizat* [in Aabic], Beirut: A'alami.
- Hussaini Mar'ashi, Seyyed Nourullah. *Sharh Ihqaq Al-Haq wa Izhaq Al-Batil* (Interpretation of proving the Right and Rejecting the Wrong), Commented by: Seyyed Shahab Al-Din Mar'ashi Najafi, Qom: Office of Ayatullah Mar'ashi Najafi's Publications.
- Hussaini Musawi, Mohammad Ibn Abi Talib (1997). *Tasliyat Al-Mujalis wa Zinat Al- Majalis*, [in Arabic], Qom: Mu'assisat Al-Ma'arif Al-Islamiyya.
- AL-Hilli, Hassam Ibn Yusuf ibn Mutahar (1990). *Rijal Al-'Allama Al-Hilli* (Al-'Allama Al-Hilli's Figures of Hadith), Research: Mohammad Sadiq Bahr Al-'Ulum, Najaf: Dar Al-Zakha'ir.
- Humawi, Shahab Al-Din (1995). *Mu'jam al-Bildan* (Dictionary of Cities). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic].
- HAnbali Damishqi, Ibn Al-'Imad Shahab Al-Din Abu al-Fallah (1985). *Shazarat Al-Mazhab* [in Arabic], Research: Al-Arinawut, Damascus- Beirut: Dar Ibn Kathir.
- Khwarazmi, Muwaffaq ibn Ahmad. *Maqtal al-Husayn* (The Murder of al-Husayn Peace be Upon him). Edited by Samawi. Qom: Anwar al-Huda. [In Arabic].
- Khu'i, Sayyid Abu-l-Qasim. *A-Bayan fi Tafsir Al-Quran* (Articulation in the Exegesis of Quran), Mu'assisat Ihya Athar A-Imam Al-Khu'I, [in Aabic].
- Dinawari, Ibn Qatiba (1989). *Al-Imama wa Al-Siyasa* (Imamate and Politica), Reasearch: 'Ali Shiri, Beirut: Dar Al-'Adwa'.
- Dinawari, Ibn Qatiba (1992). *Al-Ma'arif*, [in Arabic] Research: Thirwat- 'Akkashat, Cairo: Al-Hei'at Al-Misriyya.
- Dinawari, Abu Hanifa Ahmad Ibn Davud. (1989). *Al-Akhbar al-Tiwal* (Lengthy Hadiths). Research: 'Abdul Mun'im 'Amir Muraji'a Jamal Al-Din Shayyal, Qom: Manshurat al-Sharif al-Radiyy. [In Arabic].
- Dayyari Bid Guli, Mohammad Taqi (2004). Research on "of the Israelites" in Exegeses, Tehran: Sohrewardi.
- Zahabi, Shams Al-Din Mohammad (2003). *Mizan Al-I'tidal fi Naqd Al-Rijal* (The Scale of Moderation in Critiquing athe Figures of Hadith), Research: 'Ali Mohamad Al-Bajawi, Beirut: Dar Al-Ma'rifat.
- Zahabi, Shams Al-Din Mohammad (1989), *Tarikh al-Islam wa Wafiyyat Al-Mashahir wa Al-A'lam*, [in Arabic], Research: 'Abd Al-Sallam Qadamri, Beirut: Dar Al-Kitab Al-'Arabi.

Zahabi, Shams Al-Din Mohammad (1992). *Al-Kashif fi Ma'rifat man Lahu Riwayat fi Kutub Al-Sittat* (Discovering cognition in those for whom there is narration in the Six Books), research: Mohammad 'Awama, Jeddah, Dar Al-Qibla.

Zahabi, Shams Al-Din Mohammad (1992), *Seir A'lam Al-Zahabi, Shams Al-Din Mohammad. Tazkirat Al-Hifaz* [in Arabic], Beirut, Dar Ihya' Al-Turath Al-'Arabi.

Razi, Abu Mohammad 'Abu Al-Rahman (1992). *Al-Jarh wa Al-Ta'dil, Matba'at Majlis Da'irat Al-Ma'arif Al-Uthmaniyya Bi Heidar Abad Al-Dukun Al-Hind* [in Arabic], Beirut: Dar Ihya' Al-Turath Al-'Arabi.

Rafi'i, 'Abd Al-Karim. *Fath Al-'Aziz Sharh Al-Wajiz*, [in Arabic]: Dar Al-Fikr.

Rawandi, Qutb Al-Din (1988). *Al-Khara'ij wa Al-Jara'ih*, [in Arabic], Qom: Imam Mahdi Institute.

Rahman Sitayesh, Mohammad Kazim; Raf'at, Mohsen (2010). Critiquing Ibn A'tham Kufi's "Al-Futuh Al-A'zam" (the Greatest Conquest) Narration from 'Ashura, in: Studying Hadith, Issue 3, pp 79 -116.

Raf'at, Mohsen (2015). Critiquing 'Ashura Narrations in Imam Hussain's Murdures from the Beginning to Fourteenth Century. PhD desertation in Science of Quran And Hadith, Supervisor: Mohammad Kazim Rahman Sitayesh, Readers: Mohammad Taqi Bid Guli and Mustafa Delshad Tehrani, Qom, Qom University.

Raf'at, Mohsen (2017). Critiquing A'shura Narration in Sheikh Saduq's Murdure of Imam Hussain, in Shi'ite Studies, Year 3, Issue 10, pp 113- 142.

Zubeidi, Mohammad Murtada(1993). *Taj Al-'Arus min Jawahir Al-Qamus* [in Arabic], Research: 'Ali Hilali and Siri 'Ali, Beirut: Dar Al-Fikr.

Zarkuli, Kheir Al-Din (1980). *Al-A'lam* [in Arabic], Beirut: Dar AL-'Ilm.

Zarandi Hanafi, Jamal Al-Din Mohammad (1998). *Nazm Durar Al-Samtein fi Fada'il Al-Mustafa wa Al-Murtada wa Al-BATul wa Al-Sebtein* [in Arabic].

Sebt Ibn Jowzi, Shams Al-Din (1997). *Tazkirat Al-Khawas*, [in Arabic], Qom, Al-Shrif Al-Radi.

Shami, Yusuf Ibn Hatam (1999). *Al-Durr Al-Nazim fi Namaqib Al-Aimat Al-Lahamim* [in Arabic], Qom: Jami'at Mudarrisin.

Shawi, 'Ali; Tabasi, Najm Al-Din (2007). Accompanying Hussain from MAdina to Medina, Qom: Zam Zam Hidayat.

- Shahid Awwal, Mohammad ibn Jamal Al-Din (1998). *Zikra Al-Shi'a fi Ahkam Al-Shari'at* (Mentioning Shi'a in Rules of Shari'a), research and Publication: Al Al-Beit Mu'assisat.
- Salih, Sobhi (1973). *'Ulum Al-Hadith wa Mustalaha* (Knowledge of Hadith and Expresions), Beirout: Dar Al-'Ilm.
- Salihi Shami, Mohammad Ibn Yusuf (1993). *Subul Al-Huda* (Ways of Guidance), Research: 'Adil Ahmad 'Abd Al-Mowjud wa 'Ali Mohammad Mo'awid, Beirout: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Sihati Sardorudi, Mohammad (2006). Studying 'Ashura With an Approach to Studying the distortions Regarding The History of Imam Hussain (peace be upon him), Qom, Khadim Al-Rida.
- Tabatabaie, Seyyed 'Abd Al-'Aziz. *Ahl-e Beit fi Al-Maktabat Al-'Arabiyya*, [in Arabic], Qom: Al Al-Beit peace be upon them.
- Tabarani, Abu Al-Qasim Sulaiman (1991). *Al-Mqatal Al-Hussain Ibn 'Ali ibn abi Talib* (Murdure of Hussain Son of 'Ali Son of Abi Talib), Research: Mohammad Shoja' Daifullah, Kwait: Dar Al-Awrad.
- Tabarani, Abu Al-Qasim Sulaiman. *Al-Mu'jam Al-Saghir* (the Minor Dictionary), Beirout: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Tabarsi, Ahmad Ibn 'Ali (1982). *Al-Ihtijaj 'ala ahl Al-Lujaj* [in Arabic]. Research: Mohammad Baqir Kharsan, Mashhad: Murtada.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (2012). *A'lam Al-Wara bi A'lam Al-Huda* [in Arabic]. Tehran: Islamiyya.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan. (2001). *Taj Al-Mawalid* [in Arabic], Beirout: Dar Al-Qari.
- Tsabari Amuli, 'Imad Al-Din (2005). *Bisharat Al-Mustafa Li Shi'a Al-Muatada*. [in Arabic], Najaf: Maktabat Al- Heidariyya.
- Tabari, Abu Ja'far Mohammad Ibn Jarir (1997). *Tarikh Al-Tabari* (Tabari History), Translation: Abulqasim Payandeh, Tehran: Asatir.
- Tabari, Abu Ja'far Mohammad Ibn Jarir (1996). *Tarikh Al-Tabari* (Tabari History), Research: Mohammad Abulfadl Ibrahim, Beirout Dar Al-Turath.
- Tabari, Ahmad Ibn 'Abdullah (1977). *Zakhair Al-'Uqba* (Treasures of the Hereafter), Cairo, Maktabat Al-Qudsi.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1995). *Rijal Al-Tusi* (Tusi Figuers of Hadith), Research: Jawad Qawumi Isfahani, Qom: Mu'assisat Al-Nashr Al-Islami.

- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1993). *Al-Amali* [in Arabic], Research: Mu'assissat Al-Bi'that, Qom: Dar Al-Thiqafa.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1999). *Al-Fihrist* (the List), research: 'Abd Al-'Aziz Tabatabaie, Qom: Maktabat Al-Muhaqiq Al-Tabatabaie.
- Tusi, Mohammad Ibn 'Ali (1998). *Al-Thaqib fi Al-Manaqib* [in Aabic], Research: 'Alwan Nabil Rida, Qom: Ansarian.
- 'Asqalani, Ahmad ibn 'Ali ibn Hijr (2012). *Lisan Al-Mizan* (The Language of Balance), Beirut: Mu'assissat Al-A'lami.
- 'Asqalani, Ahmad ibn 'Ali ibn Hijr (1983). *Tahzib Al-Tahzib* [in Arabic], Beirut: Dar Al-Fikr.
- 'Asqalani, Ahmad ibn 'Ali ibn Hijr (1994). *Taqrib Al-Tahzib* [in Arabic]. Research: Mustafa 'Abd Al-Qadir 'Ata, Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- 'Asqalani, Ahmad ibn 'Ali ibn Hijr. *Al-Talkhis Al-Habir fi Takhrij Al-Rafi'i Al-Kabir*, [in Arabic], Beirut: Dar AL-Fikr.
- 'Asqalani, Ahmad ibn 'Ali ibn Hijr. *Tabaqat Al-Mudalisin*, [In Arabic] , Research: 'Asim ibn 'Abdullah Qaryuni. Maktabat Al-Minar.
- 'Aqili, Abu Ja'far Mohammad ibn 'Amru (1997). *Du'afa Al-'Aqili* [in Aabic], Research: 'Abd Al-Mu'ti Amin Qa'aji, Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- 'Alawi, 'Ali ibn Mohammad (1988). *Al-Majdi fi Ansab Al-Talibin*, [in Arabic], Research: Ahmad Mahdaqi Danqani, Qom: Maktabat Ayatullah Al-'Uzma Mar'ashi Najafi.
- Fatal Neishaburi, Mohammad ibn Ahmad (1996). *Rawdat Al-Wa'izin wa Basirat Al-Muta'azin* [in Arabic], Qom: Radi.
- Qasim Ahmad, Maryam (2016). Critiquing the Reasons for the Narations Regarding Futrus Angel, in: Researches on Science of Quran and Hadith, Round 11, Issue 21, pp 103- 126.
- Qanduzi Hanafi, Sulaiman ibn Ibrahim (1995). *Yanabi' Al-Mawadat Li zulqurba*, Research: Seyyed 'Ali Jamal Ashraf Hussaini. Dar A-Uswa.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. 1986. *Al-Kafi* (the Sufficient). Research: 'Ali Akbar Al-Ghifari, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyya.
- Kufi, Fudeil ibn Zubair (1984). *Tasmiyat min Al-Qatl Ma'a Al-Hussain* [in Arabic]. Research: Seyyed Mohammad Rida Hussaini Jalali, Turathuna.
- Lujnat Al-Hadith fi Ma'had Baqir Al-'Ulum. (1978). *Mowsu'at Shahadat Al-Ma'sumin* [in Arabic], Qom: Nour Al-Sajjad.

- Majlisi, Muhammad Baqir. (1982). *Bihar al-Anwar al-Jami'a Al-'Ulum al-A'immat al-Athar* (The Seas of the Lights Encompassing the knowledge from the Pure Imams). Beirut: Dar al-Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic].
- Muhilli, Hamid Ibn Ahmad (2002). *Al- Hada'iq Al-Wardiyya fi Manaqib Al-A'imat Al- Zeidiyya* (Gardens of Flowers in virtues of Zeidi Imams), research: Murtada ibn Zeid Mahturi, Yemen.
- Muzi, Jamal Al-Din Abu Al-Hajjaj (1985). *Tahzib Al-Kamal fi Asma' Al-Rijal* [in Arabic], Research: Bashshar 'Uwad Ma'ruf, Beirut: Mu'assissat Al-Risalat.
- Mas'udi, Abu Al-Hassan 'Ali ibn al-Husayn. (1988). *Muruj al-Dhahab wa Ma'adin al-Jawhar* (Meadows of Gold and Mines of Jewelry). Edited by As'ad Daghir. Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic].
- Mas'udi, Abu Al-Hassan 'Ali ibn al-Husayn. *Al-Tabih wa Al-Ashraf*, [in Arabic], Eddited by: 'Abdullah Isma'il Sawi, Cairo: Dar Al-Sawi.
- Mas'udi, 'Ali Ibn Hussain (2005). *Ithbat Al-Wasiyyat* [in Arabic], Qom.
- Ma'afir, Majid (2014). General history of Hadith in analytical approach, Tehran: Kawir.
- Maghribi, Qadi Nu'man (1988). *Sharh Al-Akhbar fi Fada'il Al-A'imay Al-Athar* (Interpreting the reports regarding virtues of pure Imams), Research: Mohammad Hussain Hussaini Jalali, Qom: Jami'at Mudarrisin.
- Mughlatai, 'Ala Al-Din (2001). *Ikmal Tahzib Al-Kamal fi Asma' Al-Rijal* [in Arabic], Research: Abu 'Abd Al-Rahman Abi Mohammad 'Adil. Al-Faruq Al-Hadithiyyat.
- Mufid, Mohammad Ibn Mohammad ibn Nu'man (1992). *Al-Ikhtisas* [in Arabic] (Attributed to Sheikh Mufid), Research: 'Ali Akbar Ghaffari; Moahmud Muharrami Zarandi, Qom: Sheikh Mufid International Congress.
- Mufid, Muhammad ibn Nu'man. (1992). *Al-Irshad fi Ma'rifa Hujaj Allah 'ala-l-'Ibad* (The Guidance to Knowledge of God's Proofs to His Servants). Edited by Mu'assisa Al al-Bayt. Qom: Al-Shaykh al-Mufid Conference. [In Arabic].
- Mufid, Muhammad ibn Nu'man. (1993). *Al-Masa'il Al-'Akbariyya* (the Great Issues), Research: 'Ali Akbar Ilahi Khurasani, Beirut: Dar AL- Mufid.
- Miqrizi, Taqiyy al-Din Ahmad ibn 'Ali. 1998. *Imta' Al-Asma'*, Research: Mohammad 'Abd Al-Hamid Al-Nemisi, Beirut: Dar Al- Kutub Al-'Ilmiyya.

- Manawi, Mohammad 'Abd Al-Ra'uf (1993). *Feid Al-Qadir Sharh Al-Jami' Al-Saghir* [in Arabic], Research: Ahmad 'Abd Al-Salam. Beirut: Dar Al- Kutub Al- 'Ilmiyya.
- Mu'addab, Seyyed Rida (2016). *Tarikh Hadith* (History of Hadith). Qom, Al- Mustafa International center for Translation and Publication.
- Najashi, Ahmad ibn 'Ali (1986). *Rijal Al-Najashi*, (Najashi Figures of Hadith), Qom: Mu'assisat Al-Nashr Al-Islamiyya.
- Najafi, Muhammad Hasan. (1986). *Jawahir al-Kalam* (Jewelry of the Word). Research: 'Abbas Quchani, Tehran: dar Al-Kutub Al-Islamiyya.
- Namazi Shahrudi, 'Ali (1990). *Mustadrakat 'Ilm Rijal Al-Hadith* [in Arabic].
- Nuweiri, Sahab Al-Din (2002). *Nihayat Al-Arb fi Funun Al-Adab* [in Arabic], Cairo: Dar Al-Kutub wa Al-Withaq Al-Qowmiyya.
- Hashimi Baghdadi, Abu Ja'far Mohammad. *Al-Muhabbir*, [in Arabic] Research: Ilzat Likhten Shetiter, Beirut: Dar Al-Afaq Al-Jadida.
- Heithami, Nur Al-Din 'Ala ibn abi Bakr (1987). *Majma' Al-Zawa'id wa Manba' Al-Fawa'id* [In Arabic], Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Yafi'I, 'Abdulla ibn As'ad. *Mir'at A-Jinan wa 'Ibrat Al-Yaqazan fi Ma'rifat ma Ya'tabiru min Hawadith Al-Zaman* [in Arabic], Research: Khalil 'Umran Mansur, Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Ya'qubi, Ahmad Ibn Abi Ya'qub ibn Ja'far ibn Wahab Wadih. *Tarikh Al- Ya'qubi* (Ya'qubi History), Beirut: Dar Sadir.